



کارکردهای حسابداری پانزی در بازار سرمایه ایران با رویکرد داده‌بنیاد

نصیبه شفاخیبری ^۱ علیرضا هیراد ^۲ محمدرضا عبدلی ^۳ رضا ستوده ^۴	تاریخ چاپ: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۷ فروردین ۱۴۰۴ تاریخ ارسال: ۴ دی ۱۴۰۳	شیوه استناددهی: شفاخیبری، نصیبه، هیراد، علیرضا، عبدلی، محمدرضا، و ستوده، رضا. (۱۴۰۴). کارکردهای حسابداری پانزی در بازار سرمایه ایران با رویکرد داده‌بنیاد. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت، ۳(۱)، ۱-۲۹.
--	---	---

چکیده

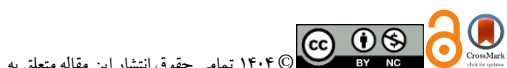
هدف این پژوهش شناسایی و تبیین کارکردهای حسابداری پانزی در شرکت‌های بازار سرمایه ایران با تأکید بر شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای آن است. این پژوهش از نوع توسعه‌ای-اکتشافی بوده و با رویکرد ترکیبی مبتنی بر منطق استقرایی/قیاسی انجام شده است. داده‌ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق و بدون ساختار با ۱۲ نفر از خبرگان شامل حسابداران رسمی، سیاست‌گذاران مالی و اعضای کمیته‌های استانداردگذاری گردآوری شد که با روش نمونه‌گیری نظری و گلوله‌برفی انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و مدل پارادایمی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت و اعتبار نتایج از طریق روش مثلث‌سازی بررسی شد. نتایج نشان داد که کارکردهای حسابداری پانزی تحت تأثیر شرایط علی شامل فشارهای درون‌ساختاری و برون‌ساختاری شکل می‌گیرند. شرایط مداخله‌گر در قالب ضعف سیستم‌های فناوری اطلاعات و ضعف فرهنگ مسئولیت‌پذیری، و شرایط زمینه‌ای در قالب ناکارآمدی محیط تجاری و ضعف حاکمیت شرکتی عمل می‌کنند. راهبردهای اصلی شامل تحریف اطلاعات مالی و ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی بوده و پیامدها در قالب کاهش مشروعیت حسابداری، افزایش ریسک‌های اعتباری و رقابتی تبیین شدند. پدیده پانزی در حسابداری بازتابی از نارسایی‌های ساختاری در نظام‌های مدیریتی، فرهنگی و نظارتی است که از طریق چرخه‌ای از تحریف اطلاعات، اعتماد بازار را تضعیف کرده و منجر به بی‌ثباتی مالی و آسیب به ذینفعان می‌شود.

واژگان کلیدی: پدیده پانزی، حسابداری، افشای گزینشی اطلاعات، نظریه داده‌بنیاد، بازار سرمایه ایران

مشخصات نویسندگان:

۱. گروه حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
۲. گروه حسابداری، واحد خاش، دانشگاه آزاد اسلامی، خاش، ایران
۳. گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران
۴. گروه مالی و حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

پست الکترونیکی: dr.hirad@iau.ac.ir



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به

نویسنده است.

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.



Ponzi Accounting Functions in the Iranian Capital Market: A Grounded Theory Approach

Nasibeh Shafakheibari¹
Alireza Hiran^{2*}
Mohammadreza Abdoli³
Reza Sotudeh⁴

Submit Date: 24 December 2024
Revise Date: 27 March 2025
Accept Date: 04 April 2025
Publish Date: 21 April 2025

How to cite: Shafakheibari, N., Hiran, A., Abdoli, M., & Sotudeh, R. (2025). Ponzi Accounting Functions in the Iranian Capital Market: A Grounded Theory Approach. *Intelligent Learning and Management Transformation*, 3(1), 1-29.

Abstract

This study aims to identify and explain the functions of Ponzi accounting in Iranian capital market firms, focusing on causal, intervening, contextual conditions, strategies, and consequences. This developmental–exploratory study adopts a mixed-method approach grounded in inductive/deductive reasoning. Qualitative data were collected through in-depth, unstructured interviews with 12 experts, including certified accountants, financial policymakers, and standard-setting committee members, selected via theoretical and snowball sampling. Data were analyzed using grounded theory and the Strauss and Corbin (1998) paradigm model through open, axial, and selective coding, with validity ensured through triangulation. Findings indicate that Ponzi accounting functions emerge from causal conditions such as intra-structural and extra-structural pressures. Intervening conditions include weaknesses in IT systems and accountability culture, while contextual conditions involve ineffective business environments and weak corporate governance. Key strategies consist of financial information manipulation and information asymmetry, leading to consequences such as reduced accounting legitimacy and increased credit and competitive risks. Ponzi accounting reflects structural deficiencies in governance, organizational culture, and regulatory systems, generating a cycle of systematic misrepresentation that undermines financial transparency, erodes market trust, and heightens stakeholder vulnerability.

Keywords: Ponzi phenomenon, accounting practices, selective disclosure, grounded theory, Iranian capital market

Authors' Information:

dr.hiran@iau.ac.ir

1. Department of Accounting, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran
2. Department of Accounting, Khas.C., Islamic Azad University, Khash, Iran
3. Department of Accounting, Sha.C., Islamic Azad University, Shahrood, Iran
4. Department of Finance and Accounting, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحولات سریع در بازارهای مالی و افزایش پیچیدگی ابزارهای سرمایه‌گذاری، زمینه را برای ظهور پدیده‌های نوظهور در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی فراهم ساخته است؛ پدیده‌هایی که مرز میان رفتارهای مشروع و انحرافی را به‌طور فزاینده‌ای مبهم کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این پدیده‌ها، گسترش الگوهای شبه‌پانزی در قالب رویه‌های حسابداری و افشای اطلاعات مالی است که نه تنها به‌عنوان یک تقلب مالی کلاسیک، بلکه به‌مثابه یک سازوکار تدریجی و ساختاری در نظام‌های مالی مدرن ظاهر می‌شود. در این چارچوب، حسابداری دیگر صرفاً ابزاری برای انعکاس واقعیت‌های اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند به ابزاری برای بازسازی گزینشی واقعیت و هدایت ادراک سرمایه‌گذاران تبدیل شود (Peng & Boyle, 2025; Shafakheyberi et al., 2025).

پدیده پانزی به‌طور سنتی به طرح‌هایی اطلاق می‌شود که در آن بازده سرمایه‌گذاران اولیه از محل سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران جدید تأمین می‌شود، بدون آنکه فعالیت اقتصادی واقعی پشتیبان این جریان مالی باشد (Amoah, 2018; Jory & Perry, 2011). با این حال، پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که این پدیده در اشکال پیچیده‌تری نیز بروز می‌یابد، به‌گونه‌ای که در قالب رویه‌های حسابداری، استراتژی‌های افشای اطلاعات و حتی ساختارهای نهادی بازارهای مالی بازتولید می‌شود (Dewi & Wahyudi, 2025; Haryadi et al., 2022). در چنین شرایطی، شرکت‌ها با بهره‌گیری از تکنیک‌های حسابداری خلاقانه، می‌توانند جریان‌های سودآوری غیرواقعی را حفظ کرده و تصویر مثبتی از عملکرد مالی خود ارائه دهند، در حالی که زیان‌ها و ریسک‌های واقعی به‌طور سیستماتیک پنهان می‌شوند.

یکی از ابعاد کلیدی در تداوم این پدیده، نقش افشای گزینشی اطلاعات است. افشای گزینشی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا با کنترل زمان، محتوا و نحوه ارائه اطلاعات، ادراک سرمایه‌گذاران را در جهت مطلوب خود هدایت کنند (Frina et al., 2024; Luo & Xiao, 2015). این امر به‌ویژه در بازارهایی که از عدم تقارن اطلاعاتی رنج می‌برند، می‌تواند به شکل‌گیری اعتماد کاذب و تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی سرمایه‌گذاران منجر شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که چنین رفتارهایی نه تنها کیفیت اطلاعات حسابداری را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به بروز ناهنجاری‌های افشای اطلاعات و کاهش کارایی بازار سرمایه منجر گردد (Afshari et al., 2016).

از منظر رفتاری، پدیده پانزی ارتباط تنگاتنگی با رفتارهای جمعی و گله‌ای سرمایه‌گذاران دارد. هنگامی که سرمایه‌گذاران بر اساس انتظارات سودآوری کوتاه‌مدت و بدون تحلیل دقیق وارد بازار می‌شوند، زمینه برای تقویت چرخه‌های پانزی فراهم می‌گردد (Baltacı & Vural, 2024; Ullah et al., 2022). در چنین فضایی، حتی نشانه‌های اولیه موفقیت می‌تواند به‌عنوان سیگنال‌های مثبت تلقی شده و موجی از سرمایه‌گذاری‌های جدید را تحریک کند. این رفتارهای جمعی، در کنار ضعف‌های ساختاری در نظام‌های نظارتی، موجب می‌شود تا پدیده پانزی برای مدت طولانی‌تری تداوم یابد و آثار مخرب‌تری بر بازار برجای گذارد.

علاوه بر این، ساختارهای نهادی و حاکمیت شرکتی نقش تعیین کننده‌ای در پیشگیری یا تشدید این پدیده دارند. ضعف در نظام‌های حاکمیت شرکتی، عدم استقلال حسابرسی و ناکارآمدی سازوکارهای نظارتی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز بروز رفتارهای پانزی در شرکت‌ها شوند (Hofstetter et al., 2018; Rezaei et al., 2021). در چنین شرایطی، مدیران با انگیزه‌های فرصت طلبانه، می‌توانند از خلأهای نظارتی بهره‌برداری کرده و با دستکاری اطلاعات مالی، منافع کوتاه‌مدت خود را تأمین کنند. این مسئله به‌ویژه در بازارهای در حال توسعه که با چالش‌های نهادی بیشتری مواجه‌اند، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

تحولات فناوری نیز به‌عنوان یکی از عوامل دوگانه در این حوزه مطرح است. از یک سو، پیشرفت فناوری‌های مالی و دیجیتال می‌تواند شفافیت و دسترسی به اطلاعات را افزایش دهد، اما از سوی دیگر، همین فناوری‌ها می‌توانند به ابزاری برای پیچیده‌تر کردن ساختارهای مالی و پنهان‌سازی فعالیت‌های پانزی تبدیل شوند (Dewi & Wahyudi, 2025; Suwitho et al., 2023). به‌ویژه در بسترهای دیجیتال، سرعت انتقال اطلاعات و گستردگی دسترسی سرمایه‌گذاران، امکان گسترش سریع‌تر این پدیده را فراهم می‌کند و نظارت مؤثر را دشوارتر می‌سازد.

در سطح کلان، پیامدهای پدیده پانزی فراتر از زیان‌های مالی مستقیم است و می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به بازارهای مالی، کاهش کارایی تخصیص منابع و افزایش بی‌ثباتی اقتصادی منجر شود (Bhadra & Singh, 2024; Eisenberg & Quesenberry, 2014). هنگامی که سرمایه‌گذاران نسبت به صحت اطلاعات مالی تردید پیدا می‌کنند، تمایل آن‌ها به مشارکت در بازار کاهش می‌یابد و این امر می‌تواند به خروج سرمایه و کاهش نقدشوندگی بازار بینجامد. از این رو، شناخت دقیق سازوکارهای شکل‌گیری و تداوم این پدیده، از اهمیت بالایی برای سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی برخوردار است.

در این میان، پژوهش‌های پیشین عمدتاً به بررسی پدیده پانزی از منظر حقوقی، رفتاری یا مالی پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل آن در چارچوب رویه‌های حسابداری و مدل‌های مفهومی یکپارچه توجه کرده‌اند (Uppiah, 2018). این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که نیاز به رویکردهای نظری عمیق‌تر، به‌ویژه رویکردهای کیفی مانند نظریه داده‌بنیاد، برای تبیین ابعاد پنهان این پدیده وجود دارد. نظریه داده‌بنیاد با تأکید بر استخراج مفاهیم و مقوله‌ها از دل داده‌ها، امکان ارائه مدل‌های پارادایمی جامع را فراهم می‌کند که می‌تواند به درک بهتر روابط میان شرایط، راهبردها و پیامدهای پدیده پانزی کمک نماید (Strauss & Corbin, 1998).

همچنین، با توجه به ویژگی‌های خاص بازار سرمایه ایران، از جمله نوسانات شدید، دخالت‌های نهادی و محدودیت‌های ساختاری، بررسی این پدیده در این بستر می‌تواند به نتایج متفاوت و ارزشمندی منجر شود (Khanaki et al., 2023). شرایط خاص اقتصادی و نهادی در ایران، می‌تواند زمینه‌های متفاوتی برای بروز رفتارهای پانزی در مقایسه با سایر کشورها فراهم آورد و این امر ضرورت انجام پژوهش‌های بومی را دوچندان می‌کند.

در نهایت، آنچه اهمیت دارد، درک این نکته است که پدیده پانزی در حسابداری، صرفاً یک انحراف فردی یا تخلف موردی نیست، بلکه بازتابی از تعامل پیچیده میان عوامل ساختاری، رفتاری و نهادی است. این پدیده در بسترهایی شکل می‌گیرد که در آن فشار برای دستیابی به نتایج کوتاه‌مدت، ضعف نظارت و عدم شفافیت اطلاعاتی به‌طور هم‌زمان وجود دارند و این ترکیب، چرخه‌ای از فریب نظام‌مند را ایجاد می‌کند که به‌سختی قابل شناسایی و کنترل است (Bai et al., 2025).

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین کارکردهای حسابداری پانزی در بازار سرمایه ایران با تأکید بر شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای آن است.

روش‌شناسی

مطالعه حاضر براساس نتیجه توسعه‌ای محسوب می‌شود، چراکه تمرکز بر انجام این مطالعه به دلیل فقدان رویکردهای شناختی قابل اتکاء از پدیده پانزی در رویه‌های عملکردی حسابداری، به شفاف‌تر نمودن مرز خاکستری شناخت از تحریف و تقلب‌های مالی می‌تواند منجر گردد. به لحاظ هدف نیز مطالعه حاضر اکتشافی تلقی می‌شود، چراکه با توجه بدیع بودن پدیده پانزی، شناسایی زمینه‌های اثرگذار مورد تأکید در سوال اول پژوهش براین اساس قابل توجیه است. در این مطالعه در وهله اول با ارائه الگویی از پارادایم‌های ماهیت پانزی در افشاء اطلاعات گزینشی می‌تواند به بسترسازی نظری این پدیده در بازار سرمایه کمک نماید. جامعه آماری پژوهش به واسطه ترکیبی بودن مطالعه حاضر مبنی بر جمع‌آوری داده‌های پژوهش، مشارکت‌کنندگان این مطالعه را در بخش کیفی طیفی از حسابداران رسمی، سیاستگذاران مالی عمومی و اعضای کمیته‌های استانداردگذاری گزارشگری مالی در ایران تشکیل می‌دهند که به واسطه شناخت ترکیبی که از زمینه‌های اقتصادی، مالی و بازار سرمایه دارند، می‌توانند در راستای ماهیت روش تحلیلی مطالعه حاضر نسبت به یک پارادایم علمی از علل حرکت به سمت شناخت پدیده پانزی تا زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گری که می‌تواند حکایت از استراتژی‌ها و پیامدهای مورد استفاده در افشاء گزینشی اطلاعات در بازار سرمایه داشته باشد، ارائه نمایند. به همین دلیل لازم بود تا افرادی انتخاب شوند، که از ظرفیت‌های بالاتری از شناخت ایده‌های جدید در تشخیص تحریف‌های مالی در افشاء اطلاعات بازار سرمایه برخوردار باشند. لذا برای این منظور از طریق نمونه‌گیری نظری و فرآیند گلوله برفی تلاش شد تا سطح دسترسی به خبرگان دارای دیدگاه‌های نوظهور در پیشبرد اهداف این مطالعه، با اتکاء به معیارهای زیر برای رعایت کفایت خبرگی مدنظر مطالعه قرار گیرد.

□ [۱] خبرگان دارای حداقل ۱۰ سال سنوات علمی در دانشگاه‌های برجسته کشور در گروه حسابداری و مالی باشند.

□ [۲] خبرگان از رزومه آموزشی و شناختی در حوزه‌های نظریه‌پردازی در دانش بین رشته‌ای با حسابداری و گزارشگری مالی چه در قالب یک

پژوهش علمی یا چه در قالب سرفصل‌های آموزشی برخوردار باشند.

□ [۳] خبرگان از ساعت آموزشی کافی برای تدریس دروس نظریه‌های حسابداری پیشرفته و تئوری‌ها و پژوهش‌ها در حسابداری در مقطع دکتری برخوردار باشند.

لزوم اتکاء به این معیارها برای رعایت کفایت خبرگی در کنار فرآیند گلوله برفی در مسیر انجام مصاحبه‌ها و معرفی خبرگان دیگر توسط مصاحبه‌شوندگان، صرفاً در راستای دستیابی به متخصصانی تدوین گردید تا علاوه بر اختصاص زمان کافی جهت جمع‌آوری داده‌ها، در زمان انجام مصاحبه، زوایایی مختلفی که می‌تواند به این پدیده هویت منسجمی به عنوان یک پارادایم علمی در سطح دانش حسابداری دهد مورد ارزیابی قرار گیرد تا امکان رسیدن به یک الگوی علمی مشخص محقق گردد. براین اساس با توجه به تعیین کنندگی نقطه اشباع تئوریک به عنوان اتمام انجام مصاحبه‌ها و تعیین نمونه‌ی انتخابی برای مشخص کردن تعداد مصاحبه‌شوندگان، ۱۲ خبره انتخاب شده در جمع‌آوری داده‌های بخش کیفی مشارکت داشتند. لذا براساس این توضیح‌ها جهت شناخت بهتر خبرگان مشارکت کننده در این بخش از مطالعه، می‌تواند به جدول (۱-۳) ارجاع نمود.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان بخش کیفی

شماره کنشگران	جنسیت	سوابق	سن	مدرک تحصیلی	ماهیت کنشگر
[۱] کنشگر اول	زن	۲۲ سال	۴۹ سال	دکتری حسابداری	عضو کمیته تدوین استانداردهای حسابداری
[۲] کنشگر دوم	مرد	۲۹ سال	۵۷ سال	دکتری حسابداری	حسابدار رسمی و عضو هیئت علمی
[۳] کنشگر سوم	مرد	۲۰ سال	۴۸ سال	دکتری حسابداری	عضویت شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران
[۴] کنشگر چهارم	مرد	۲۸ سال	۵۳ سال	دکتری حسابداری	عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی
[۵] کنشگر پنجم	مرد	۲۴ سال	۵۲ سال	دکتری حسابداری	عضو کمیته فنی سازمان حسابرسی
[۶] کنشگر ششم	زن	۲۴ سال	۵۳ سال	دکتری حسابداری	عضو کمیته تدوین استانداردهای حسابداری و هیئت علمی
[۷] کنشگر هفتم	مرد	۱۸ سال	۴۷ سال	دکتری حسابداری	عضویت شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران
[۸] کنشگر هشتم	مرد	۲۳ سال	۵۰ سال	دکتری حسابداری	عضو کمیته تدوین استانداردهای حسابداری
[۹] کنشگر نهم	زن	۱۶ سال	۴۵ سال	دکتری حسابداری	عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی
[۱۰] کنشگر دهم	زن	۲۰ سال	۴۹ سال	دکتری حسابداری	حسابدار رسمی و عضو هیئت علمی
[۱۱] کنشگر یازدهم	مرد	۲۳ سال	۵۱ سال	دکتری حسابداری	حسابدار رسمی و عضو هیئت علمی
[۱۲] کنشگر دوازدهم	مرد	۱۷ سال	۴۴ سال	دکتری حسابداری	دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران

همچنین بایست اذعان شود که مبنای نمونه‌گیری در این مطالعه، به صورت ترکیبی بود، به طوریکه از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد تا خبرگانی در این مطالعه مورد مصاحبه قرار گیرند که در رسیدن به نقطه اشباع نظری مؤثر و منعطف عمل نمایند و فرآیندهای کدگذاری سه مرحله در نظریه داده بنیاد، با مشارکت حداکثری صورت پذیرد.

بر اساس تمرکز بر تحلیل نظریه داده بنیاد در بخش اول این مطالعه از منظر پیاده‌سازی رویکرد اشتراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۸) ابزار مورد استفاده در دستیابی به الگوی پارادایمی مطالعه حاضر انجام مصاحبه با خبرگان منتخب در شکل‌دهی به کارکردهای پدیده پانزی در افشاء گزینشی اطلاعات در بازار سرمایه می‌باشد. در این فرآیند با استفاده از ظرفیت‌های انجام مصاحبه عمیق و بدون ساختار بر مبنای طرح سوالات باز در شروع جمع‌آوری داده‌ها، تلاش شد تا مضامین مفهومی شناسایی گردند تا پس از انجام کدگذاری محوری و شناسایی مولفه‌های پدیده حاضر بتوان با ارجاع به مبانی نظری دانش بازار مالی، مقوله‌های قابل انتصاب در کدگذاری انتخابی برای ارائه یک الگوی پارادایمی مشخص گردد. به منظور امکان تبیین معیارهای برآمده از بخش کیفی، نیاز به ارزیابی اعتباری پژوهش از طریق رویکرد مثلث‌سازی دارد. این روش اعتبارسنجی که از جنبه‌های مختلفی در پی اطمینان از رویه‌های اجرایی تا دستیابی به الگوی نهایی برای بسط آن به بستر مطالعه می‌باشد

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در پی پاسخ به سوالات زیر می‌باشد.

سوال اول پژوهش: شرایط علی کارکردهای حسابداری پانزی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه کدامند؟

سوال دوم پژوهش: شرایط مداخله‌گر کارکردهای حسابداری پانزی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه کدامند؟

سوال سوم پژوهش: شرایط زمینه‌ای کارکردهای حسابداری پانزی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه کدامند؟

سوال چهارم پژوهش: استراتژی‌های کارکردهای حسابداری پانزی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه کدامند؟

سوال پنجم پژوهش: پیامدهای کارکردهای حسابداری پانزی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه کدامند؟

در این پژوهش بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، مقوله [فلسفه وجودی پدیده پانزی] بر پایه دو مولفه محوری «فشارهای درون ساختاری» و «فشارهای برون ساختاری» بنا شده است که به عنوان مبانی اصلی شرایط علی بسط کارکردهای حسابداری پانزی، طبق جداول زیر قابل تعیین می‌باشند.

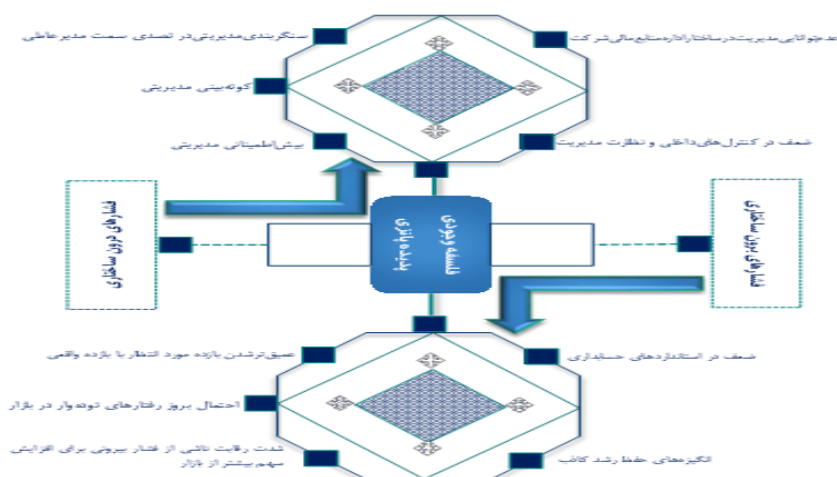
جدول ۲. فرآیند کدگذاری محوری فشارهای درون ساختاری در مقوله فلسفه وجودی پدیده پانزی

مضمون مفهومی	ردیف مصاحبه	کد مصاحبه
[۱] ناتوانی‌های مدیریتی در تخصیص بهینه منابع	I - 01	WV - 01
[۲] افزایش عدم اثربخشی‌های کنترل داخلی در جلوگیری از تحریف مالی شرکت‌ها		
[۳] افق‌های زمانی کوتاه‌مدت شرکت‌ها در تدوین اهداف و استراتژی‌های عملکردی		
[۴] سنگربندی‌های مدیریت برای حفظ تصدی‌های مدیریتی در شرکت	I - 02	
[۵] برآوردهای بیش اطمینانی مدیریتی در ارزیابی‌های عملیاتی از طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری		
[۶] وجود خوش‌بینی‌های مفرط مدیران به قابلیت‌های تصمیم‌گیری فردی در شرکت		

¹ Strauss & Corbin

۸۲] ضعف ساختاری در مدیریت شرکت‌ها در جلوگیری از عدم شفافیت‌های مالی	I - 03	WV - 03
۸۳] وجود رویکردهای تملک‌طلبانه مدیران در شرکت‌های بازار سرمایه		
۸۴] افزایش ریسک فاکتورهای ناشی از عدم استقلال حسابرسی‌های داخلی به دلیل نفوذ مدیریت شرکت بر این واحد		
۸۵] کوتاه‌بینی رویکردهای مدیریتی شرکت در ارزیابی‌ها و تغییرات محیطی		
۸۹] عدم قابلیت‌های مدیریتی در تشخیص صحیح تحولات محیطی به عنوان عاملی برای بیش اطمینانی	I - 05	
۹۰] عدم انعکاس نقاط ضعف ساختاری کنترل‌های داخلی شرکت به ذینفعان		
۹۱] جابه‌جایی‌های مدیران شرکت‌ها در کوتاه‌مدت به عنوان عاملی برای اجتناب از تغییرات ساختاری مدیریت منابع در شرکت‌ها		
۱۴۳] حفظ اصل وفاداری در ساختار مدیریتی شرکت‌ها برای جلوگیری از صدمه دیدن جایگاه مدیران	I - 02	WV - 05
۱۴۴] عدم توانایی‌های عملکردی مدیران در اداره صحیح منابع مالی مورد نیاز شرکت‌ها		
۱۴۵] وجود اختلال کانون کنترل بیرونی در ساختار مدیریتی شرکت‌ها برای پوشش اشتباهات ناشی از بیش برآوردهای صورت گرفته		
۱۴۶] پنهان‌سازی ضعف‌های تصمیم‌گیری بیش اطمینانی مدیران	I - 03	
۱۴۷] وجود نگاه‌های کوتاه‌مدت در رویکردهای مدیریتی شرکت‌های بازار سرمایه		
۲۱۰] کاهش قابلیت‌های مدیریتی در پاسخگویی به تغییرات محیطی و کاهش جایگاه‌های رقابتی شرکت‌ها	I - 05	WV - 07
۲۱۱] تمرکز بر حفظ شهرت مدیریتی به عنوان یک مبنای جبهه‌گیری‌های ساختاری در شرکت		
۲۱۲] ابهام در آینده شرکت به دلیل وجود رویکردهای کوتاه‌مدت مدیریتی	I - 06	
۲۱۳] عدم توجه به تشکیل کمیته‌های تخصصی حسابرسی داخلی در شرکت‌ها		
۲۱۴] نبود توانمندی‌های فنی در محاسبات مالی توسط مدیران به عنوان عاملی برای پانزی‌سازی شرکت		
۲۶۵] ترسیم مقطعی چشم‌اندازهای شرکت توسط مدیریت به دلیل نگاه کوتاه‌بینانه	I - 03	WV - 09
۲۶۶] پایین بودن پتانسیل‌های مدیریتی شرکت در ساختار سرمایه برای پیشبرد اهداف مدنظر		
۲۶۸] عدم استقلال مدیریتی در اداره امور شرکت به عنوان راهی برای حفاظت از جایگاه مدیر		
۲۶۹] نبود الزامات کافی در تصدی‌های حسابرسی داخلی برای جلوگیری از تساهل این واحد شرکت با خواسته‌های مدیران شرکت	I - 04	
۲۷۰] حفظ نفوذ گسترده مدیران بر کارکردهای مالی جهت حفظ تصدی بلندمدت در شرکت		
۲۷۱] عدم توجه به ریسک فاکتورهای محیطی تأثیرگذار بر عملکردهای آینده شرکت به عنوان مبنایی از بیش اطمینانی مدیریتی		
۲۷۲] ترس مدیران از اقدامات بلندمدت به دلیل عدم آگاهی از نتایج آن در بازار سرمایه		
۳۲۴] نبود توانمندی‌های تخصصی در مدیریت مالی شرکت‌ها	I - 01	WV - 11
۳۲۵] گستردگی اضطراب ناشی از انعکاس واقعیت‌های منفی به ذینفعان به عنوان عاملی در افزایش بیش اطمینانی‌های مدیریتی		
۳۲۶] تلاش مدیران برای حفظ جایگاه خود در شرکت با ایجاد کانال‌های ارتباطی با آرکان قدرت در شرکت		
۳۲۷] عدم شناخت کافی مدیران از توانمندی‌های مالی و حسابداری در تخصیص بهینه منابع و افزایش احتمال بیش اطمینانی در شرکت	I - 02	
۳۲۸] عدم انگیزه‌های مدیریتی کافی برای پیشبرد اهداف بلندمدت در شرکت		
۳۲۹] فشارهای بیرونی به ساختار مدیریتی شرکت برای پوشش نیازهای اطلاعاتی ذینفعان		

از این رو براساس نتیجه جدول (۲) و جدول (۳) نسبت به ارائه جنبه‌های مفهومی مبتنی بر تم‌های فرعی و اصلی شرایط علی بسط کارکردهای حسابداری پانزی در قالب شکل (۱) اقدام می‌شود.



شکل ۱. جنبه‌های مفهومی مبتنی بر تم‌های فرعی و اصلی شرایط علی بسط کارکردهای حسابداری پانزی

شرایط مداخله‌گر در واقع عوامل خاصی هستند که به نوعی تسری دهنده شرایط علی هستند و معمولاً اثر این عوامل در مقایسه با سایر عوامل کم رنگ‌تر هستند. در این پژوهش براساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان مقوله [محرک‌های فرصت‌ساز بروز پدیده پانزی] براساس دو مولفه «ضعف سیستم‌های فناوری اطلاعات» و «ضعف ارزش‌های فرهنگ مسئولیت‌پذیری» نشان دهنده شرایط مداخله‌گر بسط کارکردهای حسابداری پانزی تلقی می‌شوند که در جداول (۳) و (۴) مضامین برآمده از مرحله کدگذاری محوری ارائه می‌گردند.

جدول ۳. فرآیند کدگذاری محوری ضعف سیستم‌های فناوری اطلاعات در مقوله محرک‌های فرصت‌ساز بروز پدیده پانزی

مضمون مفهومی	ردیف مصاحبه	کد مصاحبه
[۷] عدم اثربخشی کارکردهای سیستمی در صحت دسترسی به اطلاعات قابل اتکاء شرکت‌ها	I - 03	WV - 01
[۸] عدم نظارت‌های کنترلی سیستم‌های مالی بر عملکرد شرکت‌ها		
[۱۰] ایجاد شبکه‌های مالی گسترده توسط شرکت برای توجیه کارکردهای مالی		
[۱۱] عدم مشخص بودن جنبه‌های کنترلی شرکت به لحاظ سیستمی	I - 04	
[۱۴] عدم استقلال سیستم‌های مالی به دلیل ضعف‌های مدیریتی شرکت		
[۱۵] عدم یکپارچگی سیستم‌های مالی قابل ارزیابی توسط واحدهای قانونی		
[۷۵] فقدان سطح دسترسی آزاد به جریان اطلاعات شرکت	I - 01	WV - 03
[۷۶] عدم سطح نظارت‌های اثربخش بر سیستم‌های مالی شرکت‌ها		
[۷۷] درهم‌تنیدگی سیستمی شرکت به دلیل مشکلات ابهام‌های مالی		
[۹۲] عدم بهره‌برداری از سیستم‌های پیشرفته مالی در شرکت‌ها به عنوان محرک برای استفاده از پدیده پانزی	I - 06	
[۹۳] تمرکز سیستم‌های مالی شرکت در رأس هرم ساختاری		
[۹۴] وجود چالش‌های دسترسی جریان آزاد اطلاعات در شرکت‌های درگیر با مشکلات پدیده پانزی		
[۱۴۸] نبود زبانه‌های سیستمی فناوری‌های مالی در دسترسی به لحظه اطلاعات	I - 04	WV - 05
[۱۴۹] پیچیدگی حساسی و ردیابی تراکنش‌های مالی سیستمی		
[۱۵۱] ادغام نمودن سیستم‌های واحدی تابعه با سیستم‌های اصلی برای پنهان نگه داشتن تبادلات مالی شرکت		
[۱۵۲] ایجاد حساب‌های پوششی برای کاهش دسترسی کاربران از واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها	I - 05	

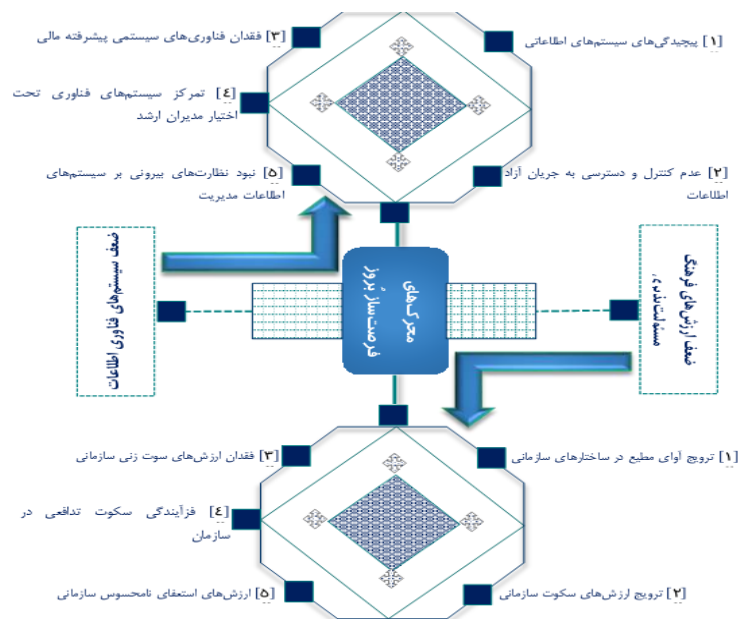
[۱۵۳] افزایش سطح دسترسی‌های سیستمی مدیران آرشد و احتمال دستکاری‌های خودخواسته و براساس منابع دارای اولویت برای شرکت		
[۱۵۴] عدم ارزیابی‌های نهادی بر روی سیستم‌های مالی شرکت‌ها		
[۲۰۵] ایجاد خلاءهای اطلاعاتی خودخواسته در سیستم‌های فناوری مالی شرکت	I - 03	WV - 07
[۲۰۶] ایجاد محدودیت دسترسی خودخواسته برای کاهش سطح نظارت‌های نهادی		
[۲۰۷] کنترل محتوای انتشار یافته در سیستم‌های مالی توسط ارکان مدیریتی شرکت		
[۲۰۸] ایجاد محدودیت‌های سیستمی از طریق کاهش زبان‌های دسترسی تحلیلگران	I - 04	
[۲۰۹] مسدودسازی پلتفرم‌های نرم‌افزاری مالی جهت دسترسی فراگیر ذینفعان		
[۲۷۳] عدم سرمایه‌گذاری بر روز زیرساخت‌های سیستمی برای کاهش دسترسی‌های سرمایه‌گذاران و سهامداران	I - 05	WV - 09
[۲۷۴] نادیده گرفتن تخصیص منابع جهت بروز رسانی سیستم‌های مالی شرکت		
[۲۷۶] ایجاد تعدد حساب‌های مالی برای پیچیدگی‌های سیستمی جهت گمراهی تصمیم‌گیرندگان مالی		
[۲۷۷] عدم قابلیت‌های عملیاتی و محاسباتی در سیستم‌های فناوری اطلاعات مالی	I - 06	
[۲۷۸] عدم بازرسی مستقل سوابق تراکنش‌های مالی شرکت توسط نهادهای نظارتی مستقل		
[۲۷۹] ضعف در حسابرسی‌های سیستمی مالی توسط نهادهای نظارتی مستقل		
[۲۸۰] عدم امکان کشف تخلف‌های مالی سیستمی	I - 07	
[۲۸۱] نبود کارایی سیستم‌های فناوری مالی شرکت در ارزیابی عملکردها		
[۲۸۳] ضعف در مستقل عمل نمودن سیستم‌های فناوری اطلاعات شرکت در ارائه اطلاعات به کاربران		
[۳۳۰] دستکاری‌های ساختگی حساب‌ها در سطح سیستم‌های فناوری مالی	I - 03	WV - 11
[۳۳۶] عدم زیرساخت‌های معاملاتی غیربهنه سیستمی در آگاهی‌رسانی‌های اطلاعاتی به کاربران	I - 05	
[۳۳۷] پیچیدگی در ارزیابی‌های سیستمی عملکردهای شرکت‌های دارای احتمال پانزی		
[۳۳۸] عدم قابلیت‌های ثبت اطلاعات به صورت دسترسی برخط برای کاربران در سطح سیستم‌های مالی		
[۳۹۵] فقدان ابزارهای خودکارسازی انطباق سیستمی	I - 12	WV - 12
[۳۹۶] تعدد حساب‌های افشاء شده برای پیچیدگی‌های ادراکی کاربران در استفاده از داده‌های سیستمی		
[۳۹۷] ضعف نفوذ مدیران شرکت بر سیستم‌های اطلاعات مدیریت		

جدول ۴. فرآیند کدگذاری محوری ضعف ارزش‌های مسئولیت‌پذیری در مقوله‌های محرک‌های فرصت‌ساز بروز پدیده پانزی

مضمون مفهومی	ردیف مصاحبه	کد مصاحبه
[۲۰] افزایش سطح همگرایی‌های درون ساختاری به عنوان عامل کاهنده خودکنترلی در شرکت‌ها	I - 06	WV - 01
[۲۱] افزایش سطح سکوت سازمانی در برابر رشد پدیده‌های ناهنجار عملکردی مثل پانزی شدن شرکت‌ها		
[۲۳] بی‌توجهی به نظارت‌های فردی در سطح خرد برای جلوگیری از فسادهای ساختاریافته در شرکت‌ها		
[۲۹] گسترده‌گی سکوت تدافعی در شرکت‌ها به دلیل نادیده‌انگاشتن رویکردهای خودکنترلی منابع انسانی	I - 08	
[۳۰] نبود سطح خودانتظامی‌های فرآیندها در جلوگیری از پدیده پانزی شدن شرکت‌ها در بازار سرمایه		
[۳۳] رشد استعفای نامحسوس کارکنان در شرکت‌ها به دلیل بی‌انگیزگی در مواجهه با فسادهای ساختاریافته سازمانی		
[۸۶] عدم توجه به هنجارسازی‌های مسئولانه در جلوگیری از سکوت کارکنان در برابر رفتارهای منفعت‌طلبانه شرکت‌ها	I - 04	WV - 03
[۸۷] گسترده‌گی پنهان‌سازی‌های درونی شرکت‌ها برای شفافیت مالی		
[۸۸] نبود ارزش‌های اثربخش در رفتارهای سازمانی کارکنان برای جلوگیری از فساد و تحریف‌های مالی در شرکت‌های بازار سرمایه		
[۹۵] تشویق کارکنان به سکوت در برابر عملکردهای صورت گرفته منفعت‌طلبانه از جانب شرکت‌ها	I - 07	

[۹۶] عدم وجود انگیزه‌های کافی از انعکاس واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها به نهادهای نظارتی		
[۹۷] اختصاص پاداش به مدیران در برابر عدم درج اطلاعات درونی شرکت‌ها به بیرون و نهادهای بالادستی		
[۱۵۵] ناهنجاری‌های ناشی از یکپارچگی عملکردی شرکت‌ها در پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی ذینفعان	I - 06	WV - 05
[۱۵۶] بی‌توجهی به مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌های شرکت به عنوان عاملی برای رخوت در برابر مشاهده فسادهای مالی در بازار سرمایه		
[۱۵۷] عدم توجه به اثربخشی سوت زنی درون ساختاری به عنوان یک عامل مقدماتی برای جلوگیری از پانزی شدن شرکت‌ها		
[۱۵۸] عدم خودکنترلی‌های ساختاری شرکت‌ها در جلوگیری از پدیده پانزی	I - 07	
[۱۵۹] همگرایی درون ساختاری بدلیل اقناع مالی کارکنان برای ترویج آوای مطیع در شرکت‌ها		
[۱۶۰] عدم انگیزه‌های کافی کارکنان در افشاء واقعیت‌های عملکردی مثل پانزی شدن شرکت‌ها به نهادهای بالادستی		
[۲۲۸] نبود سطحی از خودانتظام‌گرایی حفاظتی کارکردهای مالی در شرکت‌ها		
[۲۲۹] افزایش سطح سکوت ساختاریافته در شرکت‌ها به دلیل نبود محرک‌های کافی برای انعکاس واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها به نهادهای بالادستی		
[۲۳۰] افزایش سطح چیدمان انتصاب‌های همراستا در ساختار شرکت برای جلوگیری از درج اطلاعات به بیرون برای پیشبرد اهداف منفعت‌طلبانه در بازار سرمایه		
[۲۳۱] عدم نظارت‌های کافی و آگاهی‌رسانی‌های ساختاری کارکنان برای افشاء تحریف‌های مالی	I - 02	
[۲۳۲] عدم ایجاد هنجارهای مشترک در بین کارکنان برای پابندی به اصل سوت زنی‌های درون ساختاری در بازار سرمایه		
[۲۳۳] عدم هم‌رسانی‌های اطلاعاتی در ساختار درونی شرکت‌ها برای جلوگیری از تحریف‌های مالی		
[۳۲۱] بی‌توجهی به انتصاب‌های درون ساختاری به عنوان یک مبنای خودکنترلی در جلوگیری از تحریف‌های ناشی از پدیده پانزی	I - 10	WV - 10
[۳۲۲] گستره‌سازی سکوت در بین کارکنان برای چشم‌پوشی از واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها در برابر ذینفعان		
[۳۲۳] نبود انگیزه‌های کافی در جلوگیری از حساسیت‌های احتمالی فساد در شرکت‌ها		
[۳۴۱] وجود رخوت و بی‌انگیزگی‌های ساختاری در شرکت‌ها برای جلوگیری از تحریف‌های اطلاعاتی	I - 07	WV - 11
[۳۴۲] نبود سازوکارهای مشخص برای تحریک کارکنان به بیان واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها به نهادهای ناظر و بازرسان قانونی		
[۳۴۳] وجود سطحی از تساهل بازرسان قانونی با شرکت‌ها برای چشم‌پوشی از عملکردهای پانزی شرکت		
[۳۴۴] عدم آموزش‌های کافی به متصدیان اجرایی در بروز تخلف‌های مالی شرکت‌ها	I - 08	
[۳۴۵] عدم آگاهی‌رسانی‌های نهادی به مسئولیت متصدیان اجرایی در جلوگیری از پدیده‌های ناهنجار مثل عملکردهای پانزی شرکت‌ها		
[۳۴۶] رشد فزاینده تحریف در بین شرکت‌ها به عنوان یک عامل ناهنجار فرهنگ مشروعیت در بازار سرمایه		

براساس نتیجه جدول (۳) و جدول (۴) نسبت به ارائه جنبه‌های مفهومی مبتنی بر تم‌های فرعی و اصلی شرایط مداخله‌گر بسط کارکردهای حسابداری پانزی در قالب شکل (۲) اقدام می‌شود.



شکل ۲. شرایط مداخله گری بسط کارکردهای حسابداری پانزی

شرایط زمینه‌ای یک پدیده اساساً مختص همان پدیده‌ها هستند. با شناسایی شرایط زمینه‌ای از درون داده‌ها، محقق امکان بررسی پاسخ‌های داده شده توسط مصاحبه‌شوندگان را تحت این شرایط پیدا می‌کند. در این پژوهش براساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان مقوله [بسترسازهای پدیده پانزی] بر پایه دو مولفه «فقدان اثربخشی محیط تجاری» و «فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه» تشکیل دهنده معیارهای اصلی شرایط زمینه‌ای بسط کارکردهای حسابداری پانزی می‌باشند که به طور جداگانه در دو جدول زیر مضامین مفهومی آن‌ها ارائه می‌گردند.

جدول ۵. فرآیند کدگذاری محوری فقدان اثربخشی محیط تجاری در مقوله بسترسازهای پدیده پانزی

کد مصاحبه	ردیف مصاحبه	مضمون مفهومی
WV - 01	I - 05	[۱۶] گستردگی مشکلات اقتصادی شرکت‌ها در تخصیص عدم بهینه منابع در بازار سرمایه
		[۱۷] افزایش محدودیت در تأمین منابع مالی شرکت‌ها به دلیل مشکلات ناشی از چرخش نقدینگی
		[۱۹] فقدان راه کارهای کنترلی در جلوگیری از فرارهای مالیاتی در نظام اقتصادی
	I - 07	[۲۴] عدم وجود مقررات و قوانین نظارتی کافی برای جلوگیری از رفتارهای منفعت طلبانه شرکت‌ها
		[۲۵] عدم وجود ساختارهای اقتصادی متوازن در رعایت برابری و اعتدال در حمایت از شرکت‌ها در شرایط محیطی
		[۲۷] عدم اجرایی شدن احکام قضایی علیه شرکت‌های متخلف
		[۲۸] رشد فزاینده ناتوانی شرکت‌ها در پرداخت تعهدات و مالیات‌های تعیین شده
WV - 03	I - 02	[۷۸] عدم امکان سنجی‌های کافی در رتبه‌بندی‌های اعتباری شرکت‌ها در نظام بازار سرمایه
		[۷۹] عدم آموزش‌های سرمایه‌گذاری کافی در نظام بازار سرمایه
		[۸۱] افزایش رکود تورمی در نظام اقتصادی به عنوان یک عامل کاهنده شفافیت‌های مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه
WV - 05	I - 01	[۱۳۵] بی‌توجهی به ایجاد سازوکارهایی برای بهبود رتبه‌بندی‌های اعتباری شرکت‌ها
		[۱۳۶] ضعف در قوانین و استانداردهای نظارتی بر ارزیابی‌های شرکت‌ها در بازار سرمایه
		[۱۳۷] عدم امکان دسترسی برابر شرکت‌ها به منابع مالی برای پوشش اهداف استراتژیک خود
		[۱۴۱] افزایش ناترازی‌های مالی به دلیل سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ضعف در بازار سرمایه
		[۱۴۲] عدم انگیزه بخشی اقتصادی به شرکت‌های متعهد به پرداخت‌های محوله مثل مالیات‌ها

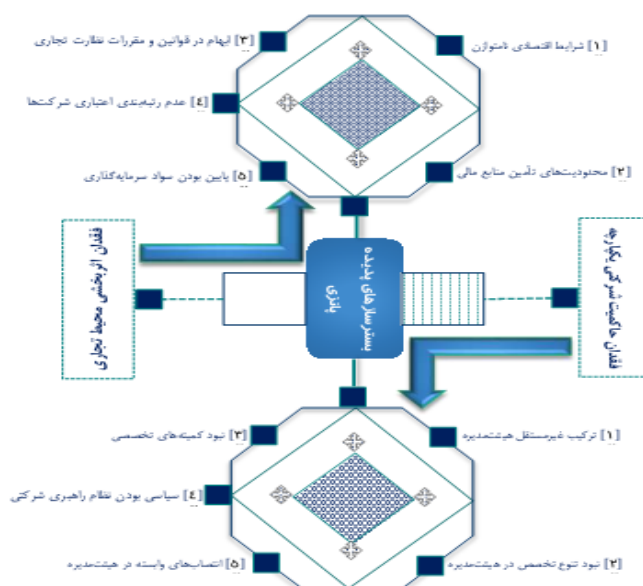
۲۱۵] بی توجهی به پوشش منابع مالی حمایتی برابر از جانب نهادهای بالادستی برای پیشبرد اهداف اقتصادی متوازن از طریق بازار سرمایه	I - 07	WV - 07
۲۱۶] عدم کنترل ناهنجاریهای مالی در تخصیص عادلانه منابع در نظام اقتصادی به شرکت‌های فعال در بازار سرمایه		
۲۱۷] نبود انگیزه‌های معافیت مالیاتی برای شرکت‌ها شفاف از نظر عملکردی در بازار سرمایه		
۲۱۸] ناکارآمدیهای حمایتی دولت از شرکت‌های مقروض به دلیل چالش‌های ناشی از بروز تحریم‌های مالی به عنوان عامل زمینه‌ای برای اهداف پانزی	I - 08	
۲۱۹] ضعف در سیاستگذاریهای آموزشی در نظام بازار سرمایه برای انگیزه داشتن از انتقال منابع مالی به بازار پولی		
۲۲۵] فقدان سطحی از رتبه‌بندیهای مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه	I - 10	
۲۲۶] عدم مشخص بودن مکانیزم‌های نظارتی بر دسته‌بندی شرکت‌ها برای کسب اعتبار بالاتر در بازار سرمایه		
۲۵۷] نابرابریهای ناشی از تأمین منابع از طریق استقراض در نظام اقتصادی برای شرکت‌های بازار سرمایه	I - 01	WV - 09
۲۶۰] نبود قابلیت‌های تصمیم‌گیری مالی اثربخش در بین سرمایه‌گذاران به عنوان عاملی محرک در سیاستگذاریهای پانزی در شرکت‌های بازار سرمایه		
۲۶۱] عدم رشد اقتصادی در نظام بازار سرمایه و افزایش سطح بی‌تعهدیهای شرکت‌های بازار سرمایه		
۲۶۲] افزایش سطح درخواست‌های تأمین منابع بیرونی شرکت‌ها از نظام اقتصادی و فقدان منابع کافی برای تخصیص	I - 02	
۲۶۳] وجود تحریم‌های مالی بین‌المللی به عنوان عامل کاهنده گردش نقدینگی در سطح بازار سرمایه		
۲۶۴] اختصاص نابرابر ارزهای ترجیحی به شرکت‌ها برای حفظ آمار مرتبط با واردات مواد اولیه به عنوان راهی برای تبدیل شدن شرکت‌ها به شرکت‌های پانزی		
۳۳۳] عدم اثربخشی نظارت‌های نهادی در جلوگیری از نابرابریهای اقتصادی در بازار سرمایه	I - 04	WV - 11
۳۳۴] پدیدارشدن رشد رمزارزها و دارایی‌های دیجیتال در نظام اقتصادی و عدم امکان نظارت‌های اثربخش بر عملکرد شرکت‌ها		
۳۳۵] فقدان ارزیابی‌های دوره‌ای عملکردهای مالی شرکت‌ها به عنوان ضعف اثربخشیهای نظارت نهادی در بازار سرمایه		
۳۳۹] نبود سواد و دانش سرمایه‌گذاری کافی برای ارزیابی دقیق شرکت‌ها به عنوان عامل کاهنده احتمال پانزی شدن در بازار سرمایه	I - 06	
۳۴۰] نبود آمارهای مشخصی از شرکت‌های بدهکار به دولت تحت حمایت‌های صورت گرفته در شرایط اقتصاد مقاومتی		
۳۹۸] وجود نابرابریهای فزاینده اقتصادی در بین شرکت‌های وابسته به بخش دولتی با شرکت‌های بخش خصوصی	I - 13	WV - 12
۴۰۰] ناکارآمدیهای نهادی در نظارت‌های بهینه بر عملکردهای مالی شرکت‌ها برای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی		
۴۰۱] نبود سطح برابریهای حقوق اقلیت با اکثریت در حفاظت‌گرایی از سهامداران و سرمایه‌گذاران به عنوان عامل زمینه‌ای پانزی شدن شرکت‌ها برای کسب منافع بالاتر		
۴۰۲] گسترده‌گی فساد در نظام اقتصادی و نبود قابلیت‌های لازم برای جلوگیری از بسط آن به سطح شرکت‌های بازار سرمایه	I - 14	
۴۰۳] نبود ضوابط اجرایی و کیفی لازم در نظام اقتصادی برای جلوگیری از گسترش عملکردهای پانزی شرکت‌ها در بازار سرمایه		
۴۰۴] عدم وجود یک مبنای برابر و متوازن در اختصاص منابع مورد نیاز شرکت‌ها به دلیل وجود رانت و هیئت‌مدیره‌های سیاسی		

جدول ۶. فرآیند کدگذاری محوری فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه در مقوله بسترهای پانزی

مضمون مفهومی	ردیف مصاحبه	کد مصاحبه
۶۰] غیرمستقل بودن هیئت‌مدیره‌های شرکت‌ها به دلیل نفوذ مالکان بر تصمیم‌گیری‌های آنان در بازار سرمایه	I - 06	WV - 02
۶۱] وجود گسترده‌گی انتصاب‌های فرمایشی در هیئت‌مدیره شرکت‌ها		
۶۱] عدم راه‌کارهای لازم برای تصدی‌های میان مدت هیئت‌مدیره در شرکت‌ها به عنوان مبنای زمینه‌ای در شکل‌گیری پانزی پانزی		

[۶۳] عدم بهره‌برداری‌های لازم از پلکانی نمودن انتصاب‌های دوره‌ای هیئت‌مدیره در شرکت‌ها در نظام راهبری جامع بازار سرمایه	I - 07	
[۶۴] عدم وجود تنوع‌های تخصصی در ساختار هیئت‌مدیره شرکت‌های بازار سرمایه برای جلوگیری از منفعت‌طلبی‌هایی مثل عملکرد پانزی		
[۶۶] عدم بهره‌برداری از کمیته‌های تخصصی در زیر مجموعه تشکیل هیئت‌مدیره شرکت‌ها به عنوان عاملی برای جلوگیری از عملکردهای پانزی در بازار سرمایه		
[۶۷] ترکیب‌بندی‌های هیئت‌مدیره بر مبنای رویکردهای آرکان قدرت به عنوان عامل زمینه‌ای پانزی شدن شرکت‌های بازار سرمایه	I - 08	
[۶۸] گستردگی انتصاب‌های سیاسی در ساختار هیئت‌مدیره شرکت‌ها به عنوان عاملی برای پشتوانه‌سازی‌های منفعت‌طلبانه شرکت‌ها از پدیده پانزی		
[۱۱۸] عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌های نظارت تخصصی توسط کمیته‌های راهبری مرجع بازار سرمایه در ارزیابی عملکردهای هیئت‌مدیره شرکت‌ها	I - 06	WV - 04
[۱۱۹] عدم توجه به اثربخشی اندازه تشکیل هیئت‌مدیره در شرکت‌های بازار سرمایه		
[۱۲۱] افزایش سطح انتصاب‌های هیئت‌مدیره در ساختار شرکت‌ها بر اساس اهداف فرصت‌طلبانه شرکت‌های بازار سرمایه		
[۱۲۲] نبود سطح مشخصی از ارزیابی‌های استقلال هیئت‌مدیره در جلوگیری از فرصت‌طلبی‌های شرکت‌ها	I - 07	
[۱۲۴] ترکیب‌بندی‌های خودخواسته شرکت‌ها در چیدمان هیئت‌مدیره برای پیشبرد اهداف فرصت‌طلبانه		
[۱۲۵] وجود سیاست‌زدگی‌های عمیق در ترکیب هیئت‌مدیره شرکت‌ها		
[۱۹۰] حضور اعضای خانواده بدون توجه به شایستگی‌های عملکردی در هیئت‌مدیره شرکت‌های فامیلی یا وابسته مبنایی برای اهداف پانزی	I - 08	WV - 06
[۱۹۱] رشد انتصاب‌های دارای وابستگی نصب و خانوادگی در ساختار شرکت‌هایی با ماهیت مالکیت‌های منحصربفرد در بازار سرمایه		
[۱۹۲] افزایش بی‌رویه انتصاب‌های سیاسی در شرکت‌ها به دلیل ارتقاء پشتوانه‌های حمایتی از اهداف منفعت‌طلبانه شرکت‌ها	I - 09	
[۱۹۳] عدم توسعه کمیته‌های تخصصی به عنوان یک الزام ساختاری در دستورالعمل‌های نظام راهبری جامع بازار سرمایه		
[۱۹۴] رعایت اصل وفاداری در چیدمان ترکیب هیئت‌مدیره شرکت‌ها		
[۳۰۱] عدم وجود اصناف مرتبط با تشکیل هیئت‌مدیره شرکت‌ها در تعیین جرائم تخلف‌های راهبری شرکتی	I - 04	WV - 10
[۳۰۲] نبود سطح قوانین حمایتی از تصمیم‌های هیئت‌مدیره برای جلوگیری از فشارهای مالکان شرکت‌ها بر آنان برای پیشبرد اهداف فرصت‌طلبانه		
[۳۰۳] عدم تغییر دوره‌ای اعضای هیئت‌مدیره بر اساس بازخوانی گزارش‌های عملکردی حاکمیتی در مجمع عمومی سالانه		
[۳۰۴] غیرمستقل عمل نمودن هیئت‌مدیره در صیانت از حقوق ذینفعان در بازار سرمایه	I - 05	
[۳۰۵] بی‌توجهی به اصالت‌های راهبری شرکتی برای جلوگیری از تخلف‌های مالی ساختاریافته در بازار سرمایه		
[۳۷۵] ایجاد زدوبندهای سیاسی در تشکیل هیئت‌مدیره شرکت‌های بازار سرمایه	I - 06	WV - 12
[۳۷۶] افزایش انتصاب‌های گزینشی در هیئت‌مدیره برای پیشبرد خواستگاه‌های مالکیتی در شرکت‌های وابسته		
[۳۷۷] نبود سازوکارهای کافی در انتصاب‌های اعضای هیئت‌مدیره بر اساس اصل شایستگی		
[۳۷۸] عدم وجود تخصص‌های متنوع حاکمیتی در تشکیل هیئت‌مدیره شرکت‌ها	I - 07	
[۳۷۹] افزایش سطح انتصاب‌های دارای وابستگی هیئت‌مدیره بین شرکت‌های اصلی و تابعه جهت پیشبرد اهداف منفعت‌طلبانه شرکت‌ها		
[۳۸۰] عدم وجود کانون هیئت‌مدیره در پشتیبانی از تصمیم‌های افراد در برابر زیاده‌خواهی‌های مالکان شرکت‌ها		

براساس نتیجه جدول (۶) و جدول (۷) نسبت به ارائه جنبه‌های مفهومی مبتنی بر تم‌های فرعی و اصلی شرایط زمینه‌ای بسط کارکردهای حسابداری پانزی در قالب شکل (۳) اقدام می‌شود.



شکل ۳. شرایط زمینه‌ای بسط کارکردهای حسابداری پانزی

راهبردها در نظریه داده بنیاد، مبنایی برای روند شکل‌گیری نظریه و پدیده‌ی مورد بررسی محسوب می‌شوند که در قالب سلسله رویه‌های اجرای در بستر مطالعه می‌توانند مفهوم را به نظریه‌های مرتبط با عرصه‌ی مورد بررسی ربط دهند. در این پژوهش استراتژی‌های بسط پدیده پانزی تحت مقوله مکانیزم‌های حسابداری در ظهور پدیده پانزی [بر پایه دو مولفه محوری «استراتژی‌های تحریفی اطلاعات» و «استراتژی‌های اطلاعاتی نامتقارن» تبیین کننده کارکردهای حسابداری در استفاده از پدیده پانزی تلقی می‌شوند که در جداول زیر به ترتیب زیر مبتنی بر مضامین مفهومی مورد نظر می‌باشند.

جدول ۷. فرآیند کدگذاری محوری استراتژی‌های تحریفی اطلاعات در مقوله مکانیزم‌های حسابداری ظهور پدیده پانزی

کد مصاحبه	ردیف مصاحبه	مضمون مفهومی
WV-02	I-04	[۵۲] ثبت درآمدهای محقق نشده در سرفصل‌های افشاء اطلاعات
		[۵۳] افزایش استفاده از ثبت‌های مالی هزینه‌های شرکت به صورت کسب بازده‌های سرمایه‌ای در آینده
		[۵۵] عدم مشخص نمودن درآمدهای تفکیک شده در افشاء اطلاعات صورت‌های مالی
	I-05	[۵۶] دیر افشاء نمودن هزینه‌های شرکت به دلیل جلوگیری از کاهش‌دهی آن در صورت‌های مالی
		[۵۸] افزایش مطالبات مشکوک الوصول برای توجیه درآمدهای محقق نشده
		[۵۹] عدم ارائه اطلاعات مرتبط با هزینه‌های انباشته شده در افشاء سالانه شرکت
WV-04	I-04	[۱۱۳] به تعویق انداختن افشاء زبان‌های مالی شرکت از پیگیری پروژه‌های سرمایه‌گذاری شده
		[۱۱۴] ارائه اطلاعات مرتبط با درآمدهای محقق نشده در صورت‌های مالی

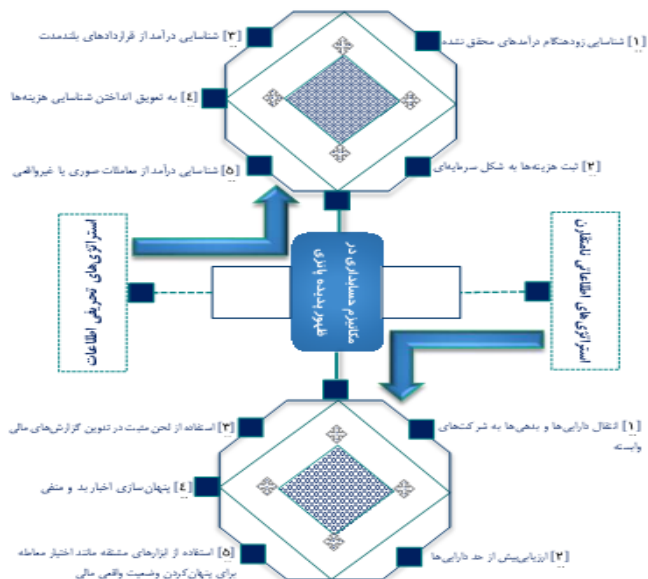
۱۱۶] ارائه اطلاعات مرتبط با معاملات مصنوعی جهت حجیم‌تر نمودن سنجش بازده‌های مورد انتظار در سرمایه‌گذاری توسط تصمیم‌گیرندگان مالی	I-05	
۱۱۷] عدم ارائه دقیق تطبیق اسناد مالی با واقعیت عملیاتی حاصل از درآمدهای شرکت		
۱۷۵] عدم افشاء درآمدهای حاصل از انجام تبادلات مالی مبتنی بر رمزارزها	I-03	WV-06
۱۷۶] استفاده از حساب‌های سنواتی درآمدهای محقق شده برای بیش از افزایشی بازده‌های مالی شرکت در ارزیابی‌های تصمیم‌گیری در بازار سرمایه		
۱۷۷] استفاده از تکنیک تأخیر عمدی در ثبت هزینه‌های جاری		
۱۷۸] ثبت ناقص یا جزئی مخارج واقعی شرکت در صورت‌های مالی	I-04	
۱۷۹] تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های شرکت به ماهیت سرمایه‌ای جهت افشاء در صورت‌های مالی		
۱۸۰] عدم افشاء هزینه‌های مرتبط با درآمد جاری در صورت‌های مالی		
۲۴۳] انتقال عمدی هزینه‌ها به دوره‌های بعدی گزارش برای تحریف عملکردی شرکت	I-06	WV-08
۲۴۶] استفاده از تسجیل زود هنگام قراردادهای در حال اجراء برای افزایش درآمدهای قابل انتظار شرکت و گزارش در یادداشت‌های همراه		
۲۴۷] در نظر نگرفتن سرفصل‌های تفکیک شده درآمدهای محقق نشده از واقعی	I-07	
۲۴۸] افشاء درآمدهای مصنوعی از طریق قراردادهای وعده داده شده به سهامداران و سرمایه‌گذاران		
۲۵۰] افزایش ساختگی سود دوره با ثبت زودتر از موعد فروش شرکت		
۳۰۶] تجمع یا فشرده‌سازی هزینه‌ها برای کاهش بار مالی دوره‌ای در صورت‌های مالی	I-06	WV-10
۳۰۷] ثبت پیش دریافت درآمد بدون انتقال مالکیت کالا یا خدمت در طی سال مالی به عنوان یک قلم آفریننده انگیزه سرمایه‌گذاری در شرکت		
۳۰۸] استفاده از حساب‌های انتقالی برای به تعویق انداختن افشاء هزینه‌های شرکت		
۳۰۹] عدم پایش صحت برآوردهای سود و هزینه پروژه‌های در حال اجرا برای تصمیم‌گیرندگان مالی	I-07	
۳۱۱] عدم در نظر گرفتن مبنای شناسایی درآمد در پروژه‌های چنددوره‌ای در گذشته		
۳۱۲] عدم در نظر گرفتن ریسک‌های مالی اجرایی یک پروژه و محاسبه واقعی درآمدهای شرکت		
۳۷۰] ارائه نکردن دوره برگشت سرمایه در افشاء اطلاعات حاصل از اجرای بلندمدت قراردادهای پروژه‌ای	I-05	WV-12
۳۷۲] افشاء زودتر از موعد درآمدهای محقق نشده شرکت در صورت‌های مالی		
۳۷۳] ارائه درآمدهای محقق نشده قراردادهای بلندمدت شرکت		
۳۷۴] ارائه اطلاعات دستکاری شده از سودهای قابل انتظار در اجرای یک پروژه توسط شرکت		
۳۸۲] عدم افشاء به موقع هزینه‌های شرکت براساس اصل محافظه کاری در حسابداری		
۳۸۳] تعدیل مستمر درآمدهای وعده داده شده با توجیه تغییرات هزینه‌ای شرکت		
۳۸۴] عدم تعیین برآورد مشخص و تفکیک شده برای تعیین سهم درآمدهای اصلی شرکت از اجرای یک پروژه		
۳۸۸] شناسایی تدریجی درآمدهای قابل حصول بر اساس درصد پیشرفت کار برای جذب مقطعی سرمایه‌های مورد نیاز از سرمایه‌گذاران	I-10	
۳۸۹] بهره‌برداری از راه کارهای ثبت فروش قبل از تحقق واقعی معامله‌های منتج به کسب درآمد برای شرکت		
۳۹۰] استفاده از روش‌های برآورد غیر واقعی برای کاهش هزینه‌های ثبت شده		

جدول ۸. فرآیند کدگذاری محوری استراتژی‌های اطلاعاتی نامتقارن در مقوله مکانیزم‌های حسابداری ظهور پدیده پانزی

مضمون مفهومی	ردیف مصاحبه	کد مصاحبه
۴۱] عملکردهای گزینشی در افشاء اطلاعات برای پنهان‌سازی واقعیت‌ها	I-01	WV-02
۴۲] بهره‌برداری از تأسیس شرکت‌های وابسته برای پنهان نمودن منفعت‌طلبی‌های مالی در مبادلات تجاری		

[۴۵] به افشاء در آوردن بخشی از اطلاعات انگیزه بخش سرمایه گذاری برای سهامداران	I-02	
[۴۶] بهره برداری از ابزارهای اختیاری معامله جهت کم نشان دادن هزینه ها و بدهی های شرکت در معامله		
[۴۷] استفاده از معاملات فردایی برای بالاتر بردن بازده مورد انتظار شرکت در جذب سرمایه گذاران		
[۵۰] سیاست گذاری های حمایتی از امتیاز خرید دارایی های بیشتر مبنایی برای افزایش عدم شفافیت های مالی شرکت ها به ویژه شرکت های وابسته		
[۵۱] استفاده از ابزارهای مالی شرکت ها برای گسترده سازی بهره برداری از جذب سرمایه گذاران جدید به شرکت		
[۱۱۰] افزایش همگرایی های پنهان سازی اخبار در بازار سرمایه برای پیشبرد اهداف منفعت طلبانه شرکت ها از طریق عملکردهای پانزی	I-03	WV-04
[۱۱۲] حجیم شدن دارایی شرکت های اصلی به دلیل گسترده سازی تشکیل شرکت های وابسته		
[۱۷۱] افزایش میزان توزیع عرضه سهام به دلیل ارائه مجوزهای فعالیت شرکت های اقماری در بیرون از مرزهای کشور	I-02	WV-06
[۱۷۳] اضافه کردن هزینه های انبارداری در سرفصل های جدیدتر برای کاهش سود خالص شرکت		
[۱۷۴] پنهان نمودن دارایی های انباشته شده برای کاهش واکنش های احتمالی بازار نسبت به عملکردهای منفی		
[۱۸۱] انتقال بخشی از هزینه های مالی شرکت اصلی به شرکت های وابسته برای تحریک سرمایه گذاری ها	I-05	
[۱۸۳] عدم انعکاس به موقع اطلاعات برای جلوگیری از واکنش های احتمالی به عملکردهای ضعیف شرکت		
[۲۳۸] ارائه گزارش های مرتبط با چشم اندازهای آتی شرکت در بازار سرمایه	I-04	WV-08
[۲۳۹] استفاده از فرصت های مالی لازم برای انتقال بدهی های به شرکت های اقماری یا هلدینگ ها		
[۲۴۰] رونمایی از پروژه های در حال توسعه در ارائه گزارش های دوره ای برای تشویق به سرمایه گذاری بالاتر	I-05	
[۲۴۲] پنهان نمودن بخشی از نسبت های مالی ضعیف شرکت برای جلوگیری از محدودیت های مالی احتمالی در تأمین منابع		
[۲۵۱] انتقال پنهانی ثروت از شرکت های اصلی به شرکت های زیر مجموعه از طریق قراردادهای صوری با شرکت های وابسته	I-08	
[۲۵۲] تأسیس شرکت های اقماری برای توجیه تبادلات مالی با شرکت اصلی جهت کاهش مالیات های پرداختی		
[۲۵۳] افزایش ارزش اسقاط دارایی های ثابت برای پوشش عملکردهای ضعف در تولید		
[۳۱۷] عدم افشاء ارزش منصفانه دارایی های ثابت در گزارش های مالی شرکت	I-09	WV-10
[۳۱۸] عدم استفاده از سرفصل افشاء استهلاک انباشته برای بیش از حد ارزیابی نمودن دارایی های شرکت		
[۳۱۹] استفاده از قراردادهای آتی برای استفاده از ارزش پول جهت سرمایه گذاری در بازارهای پولی		
[۳۲۰] عدم ارائه ی به موقع زیان انباشته شرکت به سهامداران		
[۳۶۱] عدم ارزیابی و انعکاس برآوردهای ارزش دارایی های املاک و مستقالات مرتبط با واحدهای فرعی به ذینفعان	I-03	WV-12
[۳۶۴] انباشته عمدی عملکردهای مالی کاهنده شرکت به دلیل جلوگیری از واکنش های بازار		
[۳۶۵] عدم ارائه اخبار و اطلاعات مرتبط با گردش مالی تفکیکی شرکت های وابسته و اصلی		
[۳۶۶] عدم افشاء تبادلات مالی با مشتریان عمده به ذینفعان	I-04	
[۳۶۹] استفاده از استراتژی های آف شورینگ برای کاهش هزینه های مالی شرکت به عنوان پوشش پانزی		

بر اساس نتیجه جدول (۸) و جدول (۹) نسبت به ارائه جنبه های مفهومی مبتنی بر تم های فرعی و اصلی استراتژی های بسط کارکردهای حسابداری پانزی در قالب شکل (۴) اقدام می شود.



شکل ۴. استراتژی‌های بسط کارکردهای حسابداری پانزی

پیامدها در مدل گرنند تئوری، در بخش انتهای مدل پارادایمی قرار می‌گیرند و به خروجی‌های حاصل از بکارگیری راهبردها در تحلیل نظریه داده بنیاد اشاره می‌نمایند. در این پژوهش پیامدهای بسط پدیده پانزی تحت مقوله [کاهندگی مشروعیت حسابداری از برونداد پدیده پانزی] بر پایه دو مولفه محوری «ریسک‌های اعتباری» و «ریسک‌های رقابتی» تبیین کننده ضعف‌های تحمیلی در استفاده از پدیده پانزی به شرکت‌های بازار سرمایه تلقی می‌شوند که در جداول زیر به ترتیب زیر مبتنی بر مضامین مفهومی مورد نظر می‌باشند.

جدول ۹. فرآیند کدگذاری محوری ریسک‌های اعتباری در مقوله کاهندگی مشروعیت حسابداری از برونداد پدیده پانزی

مضمون مفهومی	ردیف مصاحبه	کد مصاحبه
[۶۹] عدم داشتن اعتبار کافی عملکردهای مالی در سطح بازار سرمایه	I-09	WV-02
[۷۰] بی‌اعتباری شرکت در مبادلات تجاری به دلیل مشکلات مرتبط با پدیده پانزی		
[۷۱] افزایش سطح بی‌ثباتی مالی شرکت‌ها به دلیل تحریف‌های مالی صورت گرفته در قالب پدیده پانزی		
[۷۲] عدم دسترسی شرکت به منابع مالی کافی برای توسعه اهداف پانزی	I-10	
[۷۴] کاهش شدید ارزش شرکت به دلیل افزایش سطح ریسک فاکتورهای ناشی از تحریف پانزی		
[۱۲۶] پایین آمدن امکان تأمین منابع مالی برای شرکت تحت گستردگی‌های ناشی از تحریف پانزی	I-08	WV-04
[۱۲۷] تحت تأثیر قرار گرفتن شهرت اداره کنندگان شرکت به دلیل استفاده از کارکردهای پانزی در عرضه سهام و فروش شرکت		
[۱۳۰] قطع شدن زنجیره تأمین منابع مالی بدلیل مشکلات ناشی از عدم اطمینان پذیری به جایگاه شرکت		
[۱۳۱] عدم امکان ارزیابی‌های ناشی از تطبیق پذیری اطلاعات شرکت در سطح بازار	I-09	
[۱۳۴] عدم اطمینان تأمین کنندگان مالی به شرکت برای اختصاص منابع کافی		
[۱۹۵] افزایش مشکلات مرتبط با ریسک‌های سیستماتیک برای شرکت در دستیابی به منابع در سایه تحریف ناشی از پدیده پانزی در شرکت‌ها	I-10	WV-06

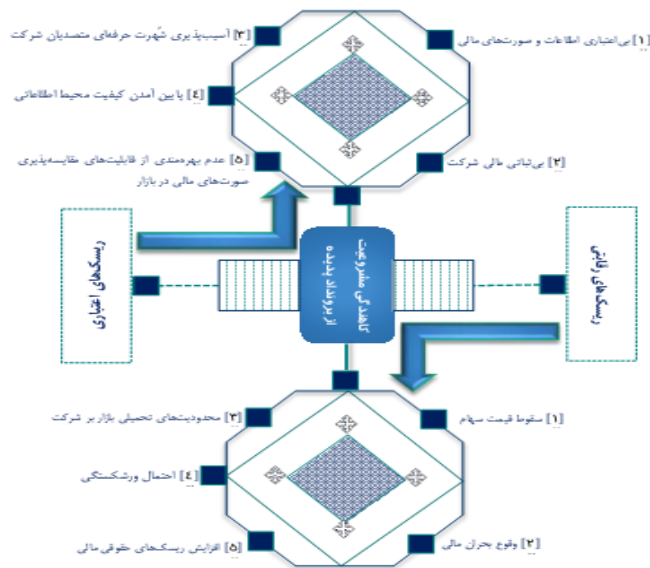
[۱۹۶] عدم امکان ارزیابی داده‌های ناشی از ارزش واقعی دارایی‌های شرکت در صورت بروز پدیده پانزی		
[۱۹۷] عدم بهره‌مندی از اطلاعات قابل اتکاء مالی به دلیل پدیده پانزی		
[۱۹۸] رشد منفی حساب‌های جاری شرکت به عنوان پیامد پانزی شدگی شرکت	I-01	WV-07
[۲۰۰] کاهش کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت در صورت بروز برآیندهای ناشی از پانزی شدن شرکت‌ها		
[۲۰۱] آسیب‌پذیری شرکت از نظر جایگاه اعتباری در بازار		
[۲۰۲] نبود ظرفیت‌های اطلاعاتی کافی در شرایط رقابتی بازار در صورت گسترده‌گی تحریف ناشی از پدیده پانزی	I-02	
[۲۰۳] عدم قابلیت‌های لازم برای مقایسه کردن کارکردهای مالی شرکت		
[۲۰۴] کاهش قابلیت‌های مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی شرکت تحت وجود تقلب‌های مالی ناشی از پدیده پانزی		
[۲۵۴] عدم امکان فرصت‌های سرمایه‌گذاری بدلیل بی‌ثباتی مالی شرکت	I-09	WV-08
[۲۵۵] گسترش ناهنجاری‌های بیرونی شرکت به دلیل مشکلات مرتبط با پدیده پانزی		
[۲۵۶] جدی نگرفتن موقعیت شرکت در ارزیابی‌های رقابتی		
[۲۹۱] افزایش سطح محدودیت‌های مالی شرکت به دلیل برون‌داد پانزدگی شرکت‌ها در بازار سرمایه	I-01	WV-10
[۲۹۲] بی‌اعتبار شرکت در قابلیت‌های مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی		
[۲۹۵] عدم امکان قابلیت‌های ارزیابی مالی شرکت به دلیل مشکلات مرتبط با پدیده پانزی		
[۲۹۶] افزایش سطح بی‌اعتباری مدیران و متصدیان اجرایی شرکت به دلیل برآیندهای پدیده پانزی	I-02	
[۲۹۷] برهم خوردن توازن مالی شرکت به دلیل تحریف‌های مالی ناشی از پدیده پانزی		
[۲۹۸] کاهش کارایی‌های سرمایه‌گذاری‌های مالی شرکت‌ها در سایه پدیده پانزی	I-03	
[۲۹۹] افزایش سطح بی‌اعتمادی به مدیران شرکت‌ها به دلیل برآیندهای پدیده پانزی		
[۳۰۰] عدم صادقانه در نظر گرفتن عملکردهای مالی از جانب ذینفعان		
[۳۸۵] رشد ریسک‌های نقدینگی شرکت به عنوان تحریف ناشی از پدیده پانزی	I-09	WV-12
[۳۸۶] افزایش سطح بی‌اعتمادی به شرکت‌ها در سایه محدودیت‌های ایجاد شده به دلیل تحریف‌های پانزی		
[۳۸۷] افزایش سطح ریسک‌های اعتباری علیه شرکت در صورت بروز تحریف‌های پانزی		
[۳۹۱] کاهش ظرفیت‌های اطلاعاتی قابل اتکاء شرکت‌ها به دلیل مشکلات ناشی از پدیده پانزی	I-11	
[۳۹۲] عدم امکان ارزیابی اطلاعات عملکردی شرکت‌ها به دلیل گسترده‌گی تحریف‌های پانزی شدگی در بازار		
[۳۹۳] کاهش شدید سطح قابلیت‌های اعتمادپذیری مالی نسبت به شرکت در بازار رقابتی		
[۳۹۴] عدم در نظر گرفتن جایگاه رقابتی برای شرکت از نظر بازار		

جدول ۱۰. فرآیند کدگذاری محوری ریسک‌های رقابتی در مقوله کاهندگی مشروعیت حسابداری از برون‌داد پدیده پانزی

مضمون مفهومی	ردیف مصاحبه	کد مصاحبه
[۳۴] افزایش احتمال سقوط ارزش قیمت سهام به دلیل مشکلات مرتبط با پدیده پانزی	I-10	WV-01
[۳۵] خروج تدریجی سرمایه از شرکت تحت افزایش ریسک فاکتورهای مالی		
[۳۸] ریزش قیمت سهام شرکت به دلیل برآیندهای پانزی شرکت		
[۳۹] کاهش شاخص کل بازار سهام شرکت به دلیل گسترده‌گی پدیده پانزی	I-11	
[۴۰] افزایش احتمال بحران‌های مالی شرکت به عنوان برآیندهای ایجاد پانزی در شرکت		
[۱۰۳] افزایش شدت احساسات در بازار در مواجهه با انعکاس مشکلات مالی ناشی از شرکت‌های پانزی	I-01	WV-04
[۱۰۶] گسترده‌گی ریسک و رشکستگی شرکت با افزایش پانزی‌زدگی شرکت		
[۱۰۷] کاهش تقاضا برای خرید سهام شرکت به عنوان برآیندهای پانزی‌زدگی شرکت	I-02	
[۱۰۸] به وجود آمدن بحران‌های مالی برای شرکت‌های دارای کارکردهای پانزی		

[۱۰۹] افزایش محدودیت‌های تحمیلی ناشی از بازار بر شرکت‌های دارای قابلیت‌های پانزی		
[۱۶۷] گستردگی تشکیل پرونده‌های حقوقی علیه شرکت به دلیل پانزی‌زدگی شرکت‌ها	I-01	WV-06
[۱۷۰] رشد ریسک ورشکستگی شرکت‌ها در صورت تشکیل پرونده‌های حقوقی علیه شرکت‌های پانزی		
[۱۸۴] افزایش میزان محدودیت‌های تحمیلی بازار بر شرکت‌های دارای شائبه پانزی شدن شرکت‌ها	I-06	
[۱۸۵] نزدیک شدن ارزش اسمی به ارزش بازار به عنوان یک مبنای کاهنده در صورت پدیده پانزی		
[۱۸۶] افزایش بحران‌های ناشی از نقدشوندگی سهام شرکت‌های دارای شائبه پانزی‌زدگی		
[۱۸۷] سقوط قیمت سهام شرکت‌های دارای پدیده پانزی	I-07	
[۱۸۸] ضعف در پوشش ریسک مالی شرکت به دلیل فراگیری ناشی از پدیده پانزی		
[۱۸۹] انتشار یکباره اخبار پنهان شده شرکت به دلیل پدیده پانزی		
[۲۳۴] واکنش سریع بازار نسبت به کاهش ارزش قیمت سهام به دلیل پدیده پانزی	I-03	WV-08
[۲۳۵] افزایش ریسک‌های حقوقی و قضائی علیه صحت داده‌های اطلاعاتی افشاء شده		
[۳۱۳] تعلیق یا توقف نمادهای معاملاتی ناشی از بروز پدیده پانزی	I-08	WV-10
[۳۱۶] عدم پویایی منابع ذخیره مالی به دلیل کاهش ارزش سهام شرکت‌های دارای پدیده پانزی		
[۳۵۵] ریزش قیمت سهام به دلیل واکنش سریع بازار نسبت به عرضه فروش به خرید سهام به دلیل پیامدهای منفی پدیده پانزی‌زدگی شدن شرکت‌ها	I-01	WV-12
[۳۵۷] افزایش تعدد شکایات علیه شرکت‌های پانزی		
[۳۵۸] افزایش محدودیت‌های ناشی از وثایق قابل وصول شرکت به دلیل شکایات حقوقی	I-02	
[۳۵۹] فریز شدن حساب‌های بانکی شرکت در صورت ثبت شکایات متعدد علیه شرکت‌های پانزی		
[۳۶۰] افزایش فشار سهامداران برای فروش سهام خود به دلیل مشکلات پانزی		

براساس نتیجه جدول (۹) و جدول (۱۰) نسبت به ارائه جنبه‌های مفهومی مبتنی بر تم‌های فرعی و اصلی پیامدهای بسط کارکردهای حسابداری پانزی در قالب شکل زیر اقدام می‌شود.



شکل ۵. پیامدهای بسط کارکردهای حسابداری پانزی

در این مرحله از کدگذاری، تحلیلگران با ایجاد ارتباط بین مضامین و مولفه‌ها، یک نظریه از روابط فی مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری ایجاد می‌نمایند.

جدول ۱۱. کدگذاری انتخابی محورهای بسط کارکردهای حسابداری پانزی

شرایط پارادایمی	فرآیند کدگذاری	شرح مقوله	مقوله‌های انتخابی	مضامین مفهومی
شرایط علی رخداد پدیده پانزی	فلسفه وجودی پدیده پانزی	فشارهای درون ساختاری	عدم توانایی مدیریت در ساختار اداره منابع مالی شرکت ضعف در کنترل‌های داخلی و نظارت مدیریت سنگربندی مدیریتی در حفظ تصدی سمت مدیرعاملی کوتاه‌بینی مدیریتی بیش اطمینانی مدیریتی	
شرایط مداخله‌گر اثرگذار بر ظهور رخداد پدیده پانزی	محرك‌های فرصت‌ساز بروز پدیده پانزی	ضعف سیستم‌های فناوری اطلاعات	فشارهای برون ساختاری انگیزه‌های حفظ رشد کاذب احتمال بروز رفتارهای توده‌وار در بازار عمیق‌تر شدن شکاف بازده مورد انتظار با بازده واقعی شدت رقابت ناشی از فشار بیرونی برای افزایش سهم بیشتر از بازار	
شرایط زمینه‌ای بسط رخداد پدیده پانزی	فقدان اثر بخشی محیط تجاری	فقدان اثر بخشی محیط تجاری	پیچیدگی‌های سیستم‌های اطلاعاتی عدم کنترل و دسترسی به جریان آزاد اطلاعات فقدان فناوری‌های سیستمی پیشرفته مالی تمرکز سیستم‌های فناوری تحت اختیار مدیران ارشد نبود نظارت‌های بیرونی بر سیستم‌های اطلاعات مدیریت	
شرایط زمینه‌ای بسط رخداد پدیده پانزی	فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه	فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه	ضعف ارزش‌های فرهنگ مسئولیت‌پذیری ترویج آوای مطیع در ساختارهای سازمانی ترویج ارزش‌های سکوت سازمانی فقدان ارزش‌های سوت زنی سازمانی فزآیندگی سکوت تدافعی در سازمان ارزش‌های استعفای نامحسوس سازمانی	
شرایط زمینه‌ای بسط رخداد پدیده پانزی	فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه	فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه	شرایط اقتصادی نامتوازن محدودیت‌های تأمین منابع مالی ابهام در قوانین و مقررات نظارت تجاری عدم رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها پایین بودن سواد سرمایه‌گذاری ترکیب غیرمستقل هیئت مدیره نبود تنوع تخصص در هیئت مدیره نبود کمیته‌های تخصصی سیاسی بودن نظام راهبری شرکتی انتصاب‌های وابسته در هیئت مدیره	
شرایط زمینه‌ای بسط رخداد پدیده پانزی	فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه	فقدان حاکمیت شرکتی یکپارچه	شناسایی زود هنگام درآمدهای محقق نشده ثبت هزینه‌ها به شکل سرمایه‌ای شناسایی درآمد از قراردادهای بلندمدت	

به تعویق انداختن شناسایی هزینه‌ها				
شناسایی در آمد از معاملات صوری یا غیر واقعی				
انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها به شرکت‌های وابسته	اطلاعاتی	استراتژی‌های		
ارزیابی بیش از حد دارایی‌ها		نامتقارن		
پنهان‌سازی اخبار بد و منفی				
استفاده از لحن مثبت در تدوین گزارش‌های مالی				
استفاده از ابزارهای مشتقه مانند اختیار معامله برای پنهان کردن وضعیت واقعی مالی				
بی‌اعتباری اطلاعات و صورت‌های مالی	ریسک‌های اعتباری	کاهندگی	مشروعیت	پیامدهای ناشی از وقوع
بی‌ثباتی مالی شرکت		حسابداری	از برون‌داد	رُخداد پدیده پانزی در
آسیب‌پذیری شهرت حرفه‌ای متصدیان و شرکت			پدیده پانزی	رویه‌های حسابداری
پایین آمدن کیفیت محیط اطلاعاتی				
عدم بهره‌مندی از قابلیت‌های مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی در بازار				
سقوط قیمت سهام	ریسک‌های رقابتی			
وقوع بحران مالی				
احتمال ورشکستگی				
محدودیت‌های تحمیلی بازار بر شرکت				
افزایش ریسک‌های حقوقی مالی				

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که کارکردهای حسابداری پانزی در بازار سرمایه ایران در قالب یک الگوی پارادایمی منسجم، متأثر از مجموعه‌ای از شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای شکل می‌گیرند که در نهایت از طریق راهبردهای خاص حسابداری به پیامدهایی نظیر کاهش مشروعیت حسابداری و افزایش ریسک‌های مالی منجر می‌شوند. در سطح شرایط علی، یافته‌ها نشان داد که فشارهای درون‌ساختاری همچون ضعف‌های مدیریتی، کوتاه‌بینی در تصمیم‌گیری و ناکارآمدی کنترل‌های داخلی، در کنار فشارهای برون‌ساختاری مانند رقابت شدید و ضعف استانداردهای نظارتی، بستر اولیه شکل‌گیری رفتارهای پانزی را فراهم می‌کنند. این یافته با مطالعاتی همسو است که نشان می‌دهند رفتارهای پانزی اغلب در شرایطی ظهور می‌یابند که فشار برای ارائه عملکرد مثبت و انتظارات بازار از بازدهی مستمر افزایش می‌یابد (Bai et al., 2025; Peng & Boyle, 2025). همچنین، پژوهش‌های پیشین تأکید کرده‌اند که ناکارآمدی در ساختارهای مدیریتی و ضعف در نظام‌های کنترل داخلی می‌تواند زمینه‌ساز تحریف اطلاعات مالی و حرکت به سمت الگوهای شبه‌پانزی شود (Haryadi et al., 2022; Rezaei et al., 2021).

در ادامه، یافته‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر نشان داد که ضعف در سیستم‌های فناوری اطلاعات و همچنین ضعف در فرهنگ مسئولیت‌پذیری سازمانی، نقش تسریع‌کننده در گسترش کارکردهای حسابداری پانزی ایفا می‌کنند. این نتایج بیانگر آن است که حتی در صورت وجود فشارهای علی، بدون وجود زیرساخت‌های ناکارآمد اطلاعاتی و فرهنگی، امکان بروز کامل این پدیده کاهش می‌یابد. این موضوع با یافته‌های Dewi

(۲۰۲۵) که به نقش فناوری‌های مالی در تسهیل یا پنهان‌سازی فعالیت‌های پانزی اشاره دارد، همخوانی دارد (Dewi & Wahyudi, 2025). همچنین، ضعف فرهنگ پاسخگویی و گسترش سکوت سازمانی که در این پژوهش شناسایی شد، با دیدگاه‌هایی که بر اهمیت عوامل رفتاری و فرهنگی در تداوم طرح‌های پانزی تأکید دارند، همسو است (Baltaci & Vural, 2024; Ullah et al., 2022). در واقع، زمانی که کارکنان انگیزه یا امکان افشای تخلفات را نداشته باشند، رفتارهای انحرافی می‌توانند بدون مانع ادامه یابند.

در سطح شرایط زمینه‌ای، نتایج نشان داد که ناکارآمدی محیط تجاری و ضعف در حاکمیت شرکتی یکپارچه، به‌عنوان بسترهای اصلی شکل‌گیری این پدیده عمل می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده پانزی نه تنها محصول رفتارهای فردی، بلکه نتیجه تعامل پیچیده میان ساختارهای نهادی و محیطی است. مطالعات پیشین نیز تأکید کرده‌اند که ضعف در حاکمیت شرکتی و نبود نظارت مؤثر، احتمال وقوع تقلب‌های مالی و طرح‌های پانزی را افزایش می‌دهد (Eisenberg & Quesenberry, 2014; Hofstetter et al., 2018). همچنین، در بازارهایی که از عدم کارایی نهادی رنج می‌برند، فرصت‌های بیشتری برای دستکاری اطلاعات و ایجاد تصویرهای مالی غیرواقعی فراهم می‌شود (Bhadra & Singh, 2024). یافته‌های مربوط به راهبردها نشان داد که شرکت‌ها برای حفظ ظاهر عملکرد مالی، از دو دسته اصلی از راهبردها استفاده می‌کنند: تحریف اطلاعات مالی و ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی. در این راستا، تکنیک‌هایی مانند شناسایی زود هنگام درآمد، تعویق در شناسایی هزینه‌ها و پنهان‌سازی اطلاعات منفی، به‌عنوان ابزارهای کلیدی در تداوم چرخه پانزی شناسایی شدند. این نتایج با مطالعاتی که بر نقش حسابداری خلاق و افشای گزینشی در ایجاد تصویرهای غیرواقعی از عملکرد شرکت تأکید دارند، همخوانی دارد (Frina et al., 2024; Luo & Xiao, 2015). همچنین، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که این نوع رفتارها می‌توانند به ایجاد ناهنجاری‌های افشای اطلاعات و کاهش کیفیت گزارشگری مالی منجر شوند (Afshari et al., 2016).

در نهایت، پیامدهای شناسایی شده در این پژوهش نشان داد که کارکردهای حسابداری پانزی به کاهش مشروعیت حسابداری، افزایش ریسک‌های اعتباری و رقابتی و تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران منجر می‌شود. این یافته‌ها تأیید می‌کند که اثرات این پدیده فراتر از سطح شرکت‌ها بوده و می‌تواند کل نظام مالی را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش‌های Amoah (۲۰۱۸) و Jory (۲۰۱۱) نیز نشان داده‌اند که طرح‌های پانزی در نهایت به فروپاشی اعتماد و زیان گسترده سرمایه‌گذاران منجر می‌شوند (Amoah, 2018; Jory & Perry, 2011). علاوه بر این، کاهش اعتماد عمومی به بازار سرمایه می‌تواند به کاهش مشارکت سرمایه‌گذاران و اختلال در فرآیند تخصیص بهینه منابع منجر شود (Hofstetter et al., 2018).

در تبیین کلی نتایج، می‌توان بیان داشت که کارکردهای حسابداری پانزی در قالب یک چرخه خودتقویت‌شونده عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که فشارهای اولیه منجر به اتخاذ راهبردهای تحریفی شده و این راهبردها با ایجاد تصویرهای غیرواقعی از عملکرد، به جذب سرمایه‌های جدید کمک می‌کنند. این چرخه تا زمانی ادامه می‌یابد که واقعیت‌های مالی آشکار شده و سیستم با شوک فروپاشی مواجه گردد. این الگو با تحلیل‌های ارائه شده

در مطالعات پیشین درباره ماهیت پویای طرح‌های پانزی همخوانی دارد (Dewi & Wahyudi, 2025; Peng & Boyle, 2025). همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نقش حسابداری در این فرآیند، نه تنها منفعلانه، بلکه فعال و سازنده است؛ به این معنا که رویه‌های حسابداری می‌توانند به‌طور مستقیم در شکل‌گیری و تداوم این پدیده نقش ایفا کنند (Shafakheyberi et al., 2025).

از منظر نظری، این پژوهش با ارائه یک مدل پارادایمی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، به توسعه ادبیات موجود در زمینه پدیده پانزی کمک می‌کند. برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که به بررسی این پدیده در سطح کلان یا از منظر حقوقی پرداخته‌اند، این پژوهش با تمرکز بر رویه‌های حسابداری و تعامل آن‌ها با عوامل ساختاری و رفتاری، دیدگاه جامع‌تری ارائه می‌دهد. استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد نیز امکان استخراج مفاهیم از دل داده‌های تجربی و ارائه یک چارچوب مفهومی بومی را فراهم ساخته است که با اصول مطرح‌شده در این رویکرد همخوانی دارد (Strauss & Corbin, 1998).

با جمع‌بندی نتایج، می‌توان نتیجه گرفت که مقابله با کارکردهای حسابداری پانزی نیازمند رویکردی چندبعدی است که علاوه بر اصلاح ساختارهای نظارتی و حاکمیت شرکتی، به تقویت فرهنگ سازمانی، بهبود سیستم‌های اطلاعاتی و افزایش شفافیت در گزارشگری مالی نیز توجه داشته باشد. تنها در چنین شرایطی می‌توان از تکرار چرخه‌های پانزی در بازار سرمایه جلوگیری کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران را بازسازی نمود.

محدودیت‌های پژوهش حاضر را می‌توان در چند مورد توجه قرار داد. نخست، استفاده از رویکرد کیفی و مصاحبه با خبرگان، اگرچه امکان دستیابی به درک عمیق از پدیده را فراهم کرده است، اما تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر بسترها محدود می‌سازد. دوم، تمرکز پژوهش بر بازار سرمایه ایران ممکن است باعث شود که برخی از یافته‌ها تحت تأثیر شرایط خاص اقتصادی و نهادی این بازار قرار گرفته باشند. سوم، محدودیت در دسترسی به برخی اطلاعات حساس مالی و عدم امکان بررسی داده‌های واقعی شرکت‌ها، می‌تواند بر جامعیت تحلیل‌ها تأثیر گذاشته باشد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده قابل ارائه است. نخست، انجام مطالعات کمی برای آزمون مدل ارائه‌شده و بررسی روابط میان متغیرهای شناسایی‌شده می‌تواند به تعمیم نتایج کمک کند. دوم، مقایسه کارکردهای حسابداری پانزی در بازارهای مختلف و بررسی تفاوت‌های نهادی و فرهنگی میان آن‌ها می‌تواند به درک بهتر این پدیده منجر شود. سوم، بررسی نقش فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی در پیشگیری یا تسهیل این پدیده می‌تواند مسیرهای جدیدی برای پژوهش فراهم سازد.

در حوزه کاربردی، پیشنهاد می‌شود که نهادهای نظارتی با تقویت چارچوب‌های حاکمیت شرکتی و افزایش استقلال حسابرسی، زمینه‌های بروز رفتارهای پانزی را کاهش دهند. همچنین، توسعه سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته و افزایش شفافیت در افشای اطلاعات می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی کمک کند. در سطح سازمانی نیز، ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری، حمایت از سازوکارهای سوت‌زنی و آموزش کارکنان در زمینه اخلاق حرفه‌ای می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از بروز این پدیده ایفا نماید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می آید.

Extended Abstract

Introduction

In recent years, the increasing complexity of financial markets and the growing pressure on firms to maintain stable and attractive financial performance have contributed to the emergence of sophisticated forms of financial misrepresentation. Among these, Ponzi-like structures embedded within accounting practices have gained considerable attention as a critical phenomenon that blurs the boundary between legitimate reporting and systematic deception. Unlike traditional Ponzi schemes, which are overtly fraudulent and unsustainable, contemporary manifestations often operate subtly through accounting mechanisms and selective disclosure strategies, making them more difficult to detect and regulate (Peng & Boyle, 2025; Shafakheyberi et al., 2025).

Ponzi schemes are classically defined as arrangements in which returns to earlier investors are paid from the contributions of new investors rather than from genuine economic activity (Amoah, 2018; Jory & Perry, 2011). However, recent literature suggests that these schemes have evolved into more complex forms, particularly within corporate financial reporting systems, where accounting manipulation and opportunistic disclosure practices create an illusion of sustained profitability (Dewi & Wahyudi, 2025; Haryadi et al., 2022). In such contexts, accounting is no longer merely a neutral reporting tool but becomes an active mechanism for shaping investor perceptions and maintaining artificial financial stability.

Selective disclosure plays a central role in this process by allowing firms to control the timing, content, and framing of financial information, thereby influencing investor decision-making under conditions of information asymmetry (Frina et al., 2024; Luo & Xiao, 2015). This practice is particularly problematic in emerging markets, where regulatory frameworks may be less robust and investor protection mechanisms less

effective. Empirical evidence indicates that selective disclosure contributes to anomalies in financial reporting and undermines the quality of accounting information, ultimately reducing market efficiency (Afshari et al., 2016).

Behavioral dynamics further exacerbate the persistence of Ponzi-like practices. Herd behavior and overconfidence among investors often lead to excessive reliance on perceived trends rather than fundamental analysis, creating fertile ground for the expansion of such schemes (Baltaci & Vural, 2024; Ullah et al., 2022). As more investors are drawn into the system based on artificially sustained performance indicators, the cycle becomes self-reinforcing until it eventually collapses under the weight of concealed financial realities.

Institutional and governance factors also play a significant role in shaping the emergence and sustainability of Ponzi accounting practices. Weak corporate governance structures, ineffective oversight mechanisms, and lack of auditor independence can enable managers to exploit informational advantages and engage in opportunistic financial reporting (Hofstetter et al., 2018; Rezaei et al., 2021). In such environments, the absence of accountability mechanisms facilitates the continuation of deceptive practices and delays their detection.

Technological advancements, while offering tools for enhanced transparency and monitoring, have also introduced new opportunities for concealing fraudulent activities. Digital financial systems and complex transactional networks can obscure the true nature of financial flows, thereby complicating regulatory oversight (Dewi & Wahyudi, 2025; Suwitho et al., 2023). Consequently, the interplay between technological innovation and regulatory capacity becomes a critical factor in understanding the evolution of Ponzi-related phenomena.

At the macro level, the consequences of Ponzi accounting extend beyond individual firms, affecting the overall stability and credibility of financial markets. The erosion of investor trust, increased volatility, and misallocation of resources are among the most significant outcomes associated with such practices (Bhadra & Singh, 2024; Eisenberg & Quesenberry, 2014). These systemic implications highlight the necessity of developing comprehensive frameworks for identifying and mitigating Ponzi-like behaviors in financial reporting.

Despite the growing body of literature on Ponzi schemes, there remains a notable gap in understanding their manifestation within accounting practices, particularly in the context of developing capital markets. Previous studies have largely focused on legal, behavioral, or financial aspects, with limited attention to the integrated role of accounting mechanisms and institutional conditions (Uppiah, 2018). This gap underscores the need for qualitative approaches that can capture the complexity and contextual nuances of the phenomenon.

Grounded theory provides a suitable methodological framework for addressing this gap by enabling the systematic generation of theoretical constructs based on empirical data (Strauss & Corbin, 1998). Through this approach, it is possible to develop a comprehensive understanding of the causal conditions, intervening factors, contextual elements, strategic responses, and consequences associated with Ponzi accounting practices.

Accordingly, this study seeks to develop a paradigmatic model of Ponzi accounting functions in the Iranian capital market, providing insights into the underlying mechanisms and contributing factors that shape this phenomenon.

Methods and Materials

This study adopts a developmental and exploratory research design grounded in a mixed-method approach, combining inductive and deductive reasoning. The qualitative phase forms the core of the research, focusing on in-depth exploration of Ponzi accounting functions through expert perspectives.

Data were collected through unstructured, in-depth interviews with twelve experts, including certified accountants, financial policymakers, and members of financial reporting standard-setting bodies. Participants were selected using theoretical sampling and snowball techniques to ensure access to individuals with substantial expertise and diverse perspectives. Inclusion criteria emphasized academic and professional experience, familiarity with advanced accounting theories, and involvement in financial reporting or regulatory processes.

The data analysis followed the grounded theory methodology based on the Strauss and Corbin paradigm model. The process involved three stages of coding: open coding to identify initial concepts, axial coding to establish relationships among categories, and selective coding to integrate and refine the emerging theoretical model. The analysis aimed to construct a comprehensive framework encompassing causal conditions, intervening conditions, contextual factors, strategies, and consequences.

To enhance the credibility and validity of the findings, triangulation was employed, incorporating multiple data sources and analytical perspectives. Theoretical saturation was achieved when no new significant concepts emerged from the data.

Findings

The analysis resulted in the identification of 404 conceptual codes, which were organized into 14 subcategories and 6 main categories within a paradigmatic model of Ponzi accounting functions.

Causal conditions were categorized under the core concept of the “existential philosophy of Ponzi phenomena,” comprising two main components: intra-structural pressures and extra-structural pressures. Intra-structural pressures included managerial inefficiencies, weak internal controls, short-term orientation in strategic decision-making, and overconfidence in managerial judgments. Extra-structural pressures encompassed competitive market dynamics, regulatory weaknesses, and external expectations for consistent financial performance.

Intervening conditions were identified as “opportunity-generating drivers,” consisting of weaknesses in information technology systems and deficiencies in accountability culture. These factors facilitated the operationalization of Ponzi accounting practices by enabling information manipulation and reducing organizational resistance to unethical behavior.

Contextual conditions were defined as “enabling environments,” including ineffective business environments and the absence of integrated corporate governance structures. These conditions provided the broader institutional and economic context within which Ponzi accounting practices could emerge and persist.

Strategic actions were categorized as “accounting mechanisms in the emergence of Ponzi phenomena,” involving two primary strategies: information distortion and information asymmetry. Information distortion strategies included premature revenue recognition and delayed expense recognition, while information asymmetry strategies involved selective disclosure, transfer of assets to affiliated entities, and concealment of negative information.

Consequences were grouped under the category of “erosion of accounting legitimacy,” encompassing increased credit risk, heightened competitive risk, loss of investor trust, and potential market instability.

Discussion and Conclusion

The findings of this study demonstrate that Ponzi accounting functions are not isolated incidents of financial misconduct but are embedded within a complex system of structural, behavioral, and institutional factors. The interaction between causal pressures, enabling conditions, and strategic responses creates a self-reinforcing cycle that sustains deceptive financial practices over time.

From a theoretical perspective, the study contributes to the literature by integrating accounting, behavioral, and institutional dimensions into a unified framework. The use of grounded theory allows for the development of a context-specific model that captures the dynamic and multifaceted nature of Ponzi accounting practices.

Practically, the results highlight the critical importance of strengthening corporate governance, enhancing transparency in financial reporting, and promoting a culture of accountability within organizations. Addressing technological vulnerabilities and improving the effectiveness of regulatory oversight are also essential for mitigating the risks associated with Ponzi-like practices.

In conclusion, Ponzi accounting represents a systemic challenge that requires coordinated efforts across multiple levels, including organizational, regulatory, and market structures. By providing a comprehensive understanding of its underlying mechanisms, this study offers valuable insights for policymakers, practitioners, and researchers seeking to enhance the integrity and stability of financial reporting systems.

References

- Afshari, H., Ghojavand, Z., & Rasaiian, A. (2016). Determining the impact of substitution or complementarity in explaining the accrual quality and disclosure anomaly in the Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research Quarterly*, 8(3), 43-58.
- Amoah, B. (2018). Mr Ponzi with Fraud Scheme Is Knocking: Investors Who May Open. *Global Business Review*, 19(5), 220-249. <https://doi.org/10.1177/0972150918788625>
- Bai, M., Zhang, D., Bai, H., & Qin, Y. (2025). Internal and external managerial challenges of Ponzi financing in China. *International Journal of Managerial Finance*, 21(4), 1086-1111. <https://doi.org/10.1108/IJMF-01-2025-0005>
- Baltaci, A., & Vural, A. (2024). Anatomy of herd behavior in Ponzi schemes within the scope of marketing mix. *Qualitative Research in Financial Markets*, ahead-of-print(ahead-of-print). <https://doi.org/10.1108/QRFM-09-2023-0218>
- Bhadra, S., & Singh, K. N. (2024). Ponzi scheme like investment schemes in India, causes, impact and solution. *Journal of Money Laundering Control*, 27(2), 348-362. <https://doi.org/10.1108/JMLC-02-2023-0040>

- Dewi, I. K., & Wahyudi, I. (2025). The Evolution of Ponzi Schemes: From Traditional Frauds to Digital Money Games. *Journal of Auditing, Finance and Forensic Accounting*, 13(1), 1-29. <https://doi.org/10.21107/jaffa.v13i1.29535>
- Eisenberg, D. T., & Quesenberry, N. W. (2014). Ponzi Schemes in Bankruptcy. *Touro Law Review*, 30(3), 38-55. <https://digitalcommons.tourolaw.edu/lawreview/vol30/iss3/3>
- Frina, A., Fréchette, G., Ispano, A., Lizzeri, A., & Perego, J. (2024). The Selective Disclosure of Evidence: An Experiment. *NATIONAL BUREAU OF ECONOMIC RESEARCH*, 4(3), 48-76. <https://doi.org/10.3386/w32975>
- Haryadi, B., Wahyudi, I., & Hayati, N. (2022). Uncovering the Dark Side of Ponzi Schemes Through Money Game. *Jurnal Ilmiah Akuntansi Dan Bisnis*, 17(2), 201-213. <https://doi.org/10.24843/JIAB.2022.v17.i02.p02>
- Hofstetter, M., Mejía, D., Rosas, J. N., & Urrutia, M. (2018). Ponzi schemes and the financial sector: DMG and DRFE in Colombia. *Journal of Banking & Finance*, 96(2), 18-33. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2018.08.011>
- Jory, S., & Perry, M. J. (2011). Ponzi Schemes: A Critical Analysis. *Journal of Financial Planning*, 4(1), 87-101. <https://ssrn.com/abstract=1894206>
- Khanaki, A. M., Farzinfar, A. A., Safari Gerayli, M., & Arabzadeh, M. (2023). Evaluating the exploratory dimensions of forensic accounting: A two-stage fuzzy process. *Empirical Research in Accounting*, 13(3), 189-210.
- Luo, T., & Xiao, Z. (2015). Selective Disclosure Associated with Institutional Investors: Evidence Based on Chinese Stock Market. *Annals of Economics and Finance*, 16(2), 515-542.
- Peng, Z., & Boyle, P. P. (2025). Ponzi Schemes: A Review. *Annals of Actuarial Science*, 2(1), 66-87. <https://doi.org/10.2139/ssrn.5019934>
- Rezaei, M., Mansouri, F., & Faghani, M. (2021). The Impact of Corporate Governance Systems on Avoiding Companies Falling into Ponzi Schemes: Case Study of Tehran Capital Market. *Ethics and Behavioral Studies in Accounting and Auditing*, 1(1), 93-112.
- Shafakheyberi, N., Hiraad, A., Abdoli, M., & Sotoudeh, R. (2025). Ontology of the Ponzi nature in the emergence of opportunistic accounting procedures: Presenting a paradigmatic phenomenological model. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 22(88), 219-325.
- Strauss, A. L., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Grounded theory: Procedures and Technique* (2nd Edition ed.). Sage.
- Suwitho, S., Riharjo, I. B., & Dewangga, D. A. (2023). The nexus between Ponzi scheme and multi-level marketing systems: Evidence in Indonesia. *Cogent Social Sciences*, 9(1), 111-136. <https://doi.org/10.1080/23311886.2023.2178540>
- Ullah, I., Ahmad, W., & Ali, A. (2022). Determinants of investment decision in a Ponzi scheme: Investors' perspective on the Modaraba scam. *Journal of Financial Crime*, 29(4), 1172-1190. <https://doi.org/10.1108/JFC-02-2020-0027>
- Uppiah, V. (2018). A critical examination of the regulation of Ponzi scheme in Mauritius. *International Journal of Law and Management*, 60(6), 1393-1400. <https://doi.org/10.1108/IJLMA-08-2017-0201>